



نظامنامہ

جزائے عمومی

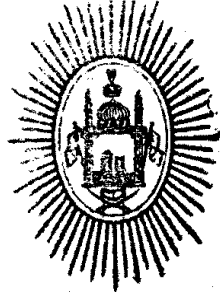
در مطبعہ ریاست شرکت رفیق طبع گردید

۳۰ جوزا — سنہ ۱۳۰۶

— ۱۰۰۰ جلد

تعداد طبع —

فی جلد ۳۹ بول



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نظامنامه جزای عمومی

مقدمه

قاعده:

(۱) — چنانچه اجرای مجازات جرایمی که بر راه راست بر علیه حکومت واقع میشوند بدوات عائد است همچنان از جمله جرایمی که بر علیه يك شخص بوقوع برسند ، تحدید درجه تعزیرات آهم که تابع بتعزیر شرعی و سیاستی باشند ؛ بدولت عاید میشود ، بنابراین درباره این دو نوع مجازات در این نظامنامه جزا چنانچه مقدارهای آن بقرار رای اولوالامر و وکیل آن بعد از وقوع واقعه و ملاحظه حال مجرم تعیین میشود ، موجبات آن بیان گردیده و درباره جرایمی که بقصاص و دیت و حد تابع میباشند احکام

مذیقه شرعیه را نیز حاوی است ؛ لهذا کافه مندرجات آن مطابق نمرع انور (محمدی) است و مطابق مذهب مذهب حنفی و مبنی بروایات قویه مفتی بها است .

(۲) :- جرمهاییکه شرعاً مستوجب مجازات هستند سه نوع است :-

اول :- آنکه مستلزم جزای حد میباشد .

دوم :- مستلزم جزای قصاص و دیت .

سوم :- مستلزم جزای تعزیر .

(۳) :- جرایمیکه مستلزم حد میباشند مثل زنا و شرب خمر و قذف و سرقه و قطع

الطریق که حدود آن از طرف شارع تعیین شده .

(۴) :- جرایمیکه موجب قصاص و دیت میشوند قتل و جرح است ،

(۵) :- جرایمیکه موجب تعزیر میشود ، افعال قبیحه و شنیعه است که به مرتکب

آن جزامعین و مقدر نیست ، بلکه مفوض برای اولوالامر و وکیل آن است

که بدرجات مختلفه و مراتب متنوعه برای اشخاص مجرمین بعد از ملاحظه

حال مجرم در وقت وقوع جرم ، جزاتعیین کند مثل کلام عذیف و نظر

ببوس الوجه و فرك الاذن و جرالی باب القاضی ؛ یعنی سخن زشت و دیدن

بترش روئی و مالیدن گوش و کفش کردن تادروازه قاضی) و حبس

و جلاء الوطن الی درجه قتل سیامتاً - اما در صنف جزای ضرب یعنی لت از (۳)

دره الی (۲۹) دره اختیار دارد و در حبس برای اشخاص مشهور بالفساد

که متمنت گفته میشوند الی حبس دوام و برای دیگر مجرمین مستلزم مجازات

تعزیری هر میعاد حبس که تعیین میکنند اختیار دارند .

(۶) :- مدت حبس مجرمین الی زمان ظهور آثار صلاح و توبه است محکومین

جزای حبس اگر قبل از اكمال مدت حبس توبه و صلاح شانرا بشرايط ذیل ظاهر و ثابت کنند ، مدت متباقیه ایام حبس شان معاف میشود .
الف : — محبوسینی که بموجب فیصله محاکم عدلیه محکوم بحبس گردیده باشند : —

اول : — مجرمینیکه غیر واقعات قتل و سرقه مرتکب جرایم دیگر گردیده محبوس باشند .

الف : — مجرمینی که الی سه سال محکوم بحبس باشند انظر بماده محکومیت حبس بتصدیق ثلث الی نصف اهل قریه و یا محله او

ب : مجرمینی که زاید از سه سال محکوم بحبس باشند به تصدیق دوثلث اهل قریه و یا محله او .

دوم : — مرتکبین قتل و سرقه به تصدیق تمامی اهل قریه و یا محله او .

تصدیق اهل قریه و محله باید شرعی باشد و مشروط بران است که مصدقین ، کلیه قوم و یا قریب مجرمین نباشند و به تصدیق اهل قریه و محله که در باب ظهور آثار توبه و صلاح مجرم مینمایند ، مجالسکه مجرمین از آنجا راه میباشوند و ماده (۸) توضیح گردیده اطمینان حاصل کنند و اگر قریه خورد و نفری آن کم باشد مجالس مذکور صلاحیت حال مصدقین بدرستی علم آورده منظور مینمایند .

ب : — مجرمینیکه بموجب فیصله مجالس مشاوره و محاکم مامورین محکوم بحبس گردیده باشند : —

اول : — مجرمینیکه الی سه سال محکوم بحبس شده باشند بتصدیق

آمر مافوق قریب و مامورین اداره منسوبه آنها .

دوم :- مجرمینکه زیاده بر سه سال محکوم مجس شده باشند به تصدیق
آمر مافوق و وزیر یا مدیر مستقله منسوبه شان .

(٧) :- در تصدیق های آثار توبه و صلاح تصدیق مجالس مشوره اداره های
حکومتی منسوبه شان علی الترتیب تامواخذیه که حکم رهائی آن داده میشود
باید کرده شود .

(٨) :- تصادیق اثار توبه و صلاح مجبوسین بعد اتقضای دوثلث مدت حبس محکومیت
شان که بقرار توضیح ماده (٦) و (٧) ترتیب می یابد بموضع ذیل
تقدیم گردیده بعد اطمینان هیئت دوایر مذکور بظهور توبه و صلاح
آنها ازین مواضع عفو مجازات مدت متبایه حبس مجرمین را باندازه اختیارات
شان عمده میتوانند . ولی قبل از مرور مدت مذکور تصادیق مزبور
را تقدیم و منظور نمی توانند :-

الف :- عفو مجازات متبایه حبس مامورین :-

اول :- مجرمین محکوم الی حبس یکساله از طرف مجالس مشاوره
نائب الحکومگیها و حکومتی های اعلی .

دوم :- مجرمین محکوم اضافه از یکسال الی حبس سه سال از طرف مجالس
مشاوره و زارهای منسوبه شان .

سوم :- مجرمین محکوم حبس اضافه از سه سال به منظوری حضور ملوکانه .

ب :- عفو مجازات متبایه حبس غیر مامورین :-

اول :- محکومین الی حبس یکساله از طرف مجالس مشاوره که حکم

مجبوس در باره آنها صادر نموده ،

دوم : — مجرمین محکوم حبس اضافه از یکال الی سه ساله از طرف مجالس مشاوره نایب الحکومگیها و حکومتیهای اعلی و حکومتیهای کلان منسوبه شان .

سوم : — مجرمین محکوم حبس اضافه از سه سال تا ده سال به منظوری مجلس مشوره وزارت عدلیه .

چهارم : — مجرمینی که اضافه از ده سال محکوم حبس باشند منظوری حضور ملوکانه بعد تصدیق وزارت عدلیه .

(۹) : — تصدیق آثار توبه و صلاح بقرار فوق تادو مراتبه درباره يك شخص منظور میشود علاوه بران درباره مرتکبین سرقه و مشهور بالفساد محل اعتبار نیست

(۱۰) : — محکومین حبس اضافه از یکماه الی سه سال تنها بیک لنک زولانه در محبوسخانه اکل مدت حبس خود را مینمایند و در محبوسخانه بصنایع مختلفه اشغال میشوند ؛ و معاش شان بشرط فقر از طرف دولت داده میشود کسانیکه از یکماه کمتر محکوم شوند در توقیفخانه متوقف مینامند .

(۱۱) : — محبوسین اتهام قتل و مشهور بالفساد و محبوسینی که اضافه از سه سال بحبس محکوم شده باشند بهردو پای مجرم زولانه انداخته میشود و نظر باقتضای جرم بدینها در خدمات شاقه دولت گماشته میشوند و از طرف دولت برای شان خورا که داده میشود .

(۱۲) : — جزای ضرب یعنی آن درصحن سزایهای حکومتی در حالیکه یکی از مفتی های محکمه شرعیه که اعطای حکم نموده و بکنفر منصبدار کونوالی و عندالاقضانا ئب الحکومه و یا احاکم و یک مفرزه نظامی و کونوالی موجود باشد در پیش روی یک جم غفیر اهالی اجرا میشود .

(١٣) : — جزای ضرب با مراسم ذیل اجرا مییابد: — مفتی محکمه: شرعیه بامفرقه نظامی

و کوتوالی که در قاعده بالا ذکر شده در محن سرای حکومتی عین در جای وسطی آن اخذ موقع نمایند و اهالی به دورا دور محن ایستاده و یک میدان وسیعی بوجود آورده اجتماع میکنند متعاقباً محکوم علیه بیدان آورده میشود و مفتی همان محکمه که درباره او اعطای حکم نموده حکم فیصله شده گی را به آواز بلند میخواند بعد از ختم قرائت محکوم علیه از کالای بالا پوش برهنه شده در محن مذکور ایستاده شده در حال ضرورت یک شخص دیگر از کوتوالی مقابل او ایستاده شده سراو را در بغل میگیرد جلا د کوتوالی دره شریع شریف را گرفته بموجب اشاره که از طرف مفتی داده میشود یک بعد دیگر ضربه هارا در پشت مجرم فرو می آرد در اثنای ضرب دست را ست از شانه باید بالا تر نشود ، و بعد از تماس ضرب بجلد دره باید بجلد مجرم کش کرده نشود بعد از پوره شدن عدد مطلوب بموجب اشاره مفتی محکمه همایات ختام می پذیرد و متعاقباً اگر محکوم علیه علاوه بر آن جزای جس هم محکوم گردیده باشد به بند بخانه سپرده میشود و اگر اضافه بر آن محکومیتی نداشت آزاد گذاشته میشود ، و اگر محکوم علیه زن باشد در حضور محکمه شرعیه بحال نشستن مجرمه ، جز بصورت ساترانه زده میشود و در حال ضرورت سر او را باید شخص مجرم بگیرد و اگر مجرم نباشد زن دیگر را باید مکلف سر گرفتن او بدارند و ایضاً تشهرات فوق در شان او ضرورت ندارد .

(١٤) : — هیچ مامور دولت تا حکم شریعت برای محمدی ص نباشد هیچکس از رعایا را بهیچ وسیله و بهانه ضرب نمیتواند و هم حکمی را که از محکمه صادر گردد

بالذات بدست خود اجرا کرده نمیتواند جزای ضرب فقط بشکل و صورتیکه در بالا ذکر شده اجرا پذیر میگردد .

(۱۵) : — طرز جزای قتل تعزیری از حضور پادشاهی صادر میگردد و در اثنای منظوری اعلامیکه حکم قتل را حادی بوده از طرف اشرف پادشاهی تصریح و اراده فرموده میشود .

(۱۶) : — زینکه مجزای قتل محکوم گردیده باشد اگر حامله بود ، بعد از وضع حمل مجازات میشود .

(۱۷) مردانیکه به جزای حبس اضافه از سه سال محکوم شوند مجاز تعیین جزادر شهر آنها مختار است هر مجرم را که لازم تشریح بداند تشریح میشود .

(۱۸) : — هرگاه یکی از تبعه دول اجنیه باشند افغانستان مرتکب جرمی گردد که مستلزم جزا باشد بر طبق نظامنامه جزا مانند سایر تبعه افغانستان مجازات می شود .

(۱۹) : — يك شخص پس از آنکه بصورت قطعی به یکی از مجازات تعزیری حقوق الله محبوس شد ، و در اثنای حبس مرتکب دیگر جرم گردید که مستوجب جزای حبس شود پس هر قدر که از مدت حبس اول او باقی باشد در جزای حبس ثانی محسوب میشود ، و اگر مدت متباقیه حبس اول اضافه از محکومیت حبس ثانی باشد همان بقی مانده حبس محکومیت اول را پوره میکند ، و در تعزیرات حقوق الیاد حبس عاحده مقرر میشود و در حدود اگر جرایم از يك جنس بودند قبل از اجرا يك حد کافی است و بعد لاجرا مجازات حدثانی را نیز مییابد ، و در جرایم مختلفه حدود عاحده جاری میشوند .

(۲۰) — هر گاه بر بالای يك شخص دین شرعی و تضمینات شخصیه ورد اموال مسروقه و مصارف محکمه یکجا حکم شود و مال موجود او پوره نکند چون همه حقوق العباد است بقرار تقسیم مال موجوده او در حقوق مذکوره مطابق حصه شان تسهیم شود .

(۲۱) — مصارف محکمه از همان شخص که سجل شرعی یعنی فیصله میگیرد گرفته میشود .

(۲۲) — اثباتیکه اعمال و استعمال و نقل و محافظه و بیع و شرای آن جرم را بوجود می آورد اگرچه بفاعل، جرم تعلق نداشته باشد هم شخص مجرم را تعزیر داده می شود .

(۲۳) — اشخاصیکه بکدام جرائم که امنیت داخلی و خارجی دولت را اخلال نماید جرات ورزیده باشند بعد از اكمال نمودن مدت جزائیه که شرطاً برای شان معین میشود ، در حالیکه دولت از نزد آن مصلحتی نبود و توهم فساد و خلل آینده از او کرده میشد در تحت نظارت کوتوالی میباشند .

(۲۴) — بودن در زیر نگرانی کوتوالی عبارت است ازین چند چیز :—

اول :— اقامت ~~سکرده~~ نتوانستن در محل هائیکه حکومت آن را تعیین نموده است .

دوم :— محلی را که در آن اقامت میورزد و یا جاهائیکه تا بر رسیدن محل اقامت خود از آنجاها میگذرد آنها تعیین و بیان نمودن .

سوم :— در تذکره مروروی بقسمیکه گفته شد اشارت کردن .

چهارم :— بمجرد رسیدنش در آنجا در ظرف (۲۴) ساعت از ورود خود بحکومت خبر دادن .

پنجم :— در حالیکه از آنجا بیکطرف دیگر رفتن آرزو داشته باشد سه روز

بیشتر محکومت خبر داده مجدداً تذکره مرور خود را گرفتن . کسیکه در زیر نظارت ضبطیه بوده و با وجود آن به این شرایط رعایت نکند تعزیر میشود .

(۲۵) — مامور یک مجبوسیت مدت لااقل دو سال محکوم بگردد به این شرط که آینده در هیچ یکی از خدمات دولت ازو کار گرفته نشود طرد کرده میشود مامور یک مرتکب جرم سرقت اموال دولت و اخذ رشوت بگردد اگر چه کمتر ازین مدت بمحکومیت دچار شده باشد الی الابد از خدمت دولت طرد میشود .

(۲۶) — در اثنای وقوع جرم کسانی که سن پانزده سالگی را پوره نکرده باشند ، از قوه بیزه محروم دانسته میشوند ، و از جریمه کرده باشند مسئول شناخته نمیشوند ، هر گاه از سبب جرم ایشان دیت لازم شود بمعاقله متعلق میشود و خود ایشان بوالدین و ولی ها و وصی های شان تسلیم میشوند مگر هر گاه اینچنین بچه ها سن پانزده را پوره کرد ، در حقوق الله مثل صاوة و صوم و حقوق البعاد مثل دین گرفتار و مأخوذ است ، و در حدود سن هجده ضروری است ، اگر مجرمه زن بود اتمهای سن شان پانزده و ابتدای سن شان نه سال است لیکن ماخوذیت از پانزده است ، و اگر دیگر علامات بلوغ مثل احبال و احتلام و انزال قبل از سن های مذکوره ظاهر شود بالغ گفته میشود .

(۲۷) — مجنون در جنایت مالی امثال غصب و سرقت و دیت جرح در صورتیکه مال منسوبه و مسروقه و دیت شرعی کمتر از نصاب پنجصد رویه شرعی بود از مال شخصی او استرداد میشود ، و اگر اضافه از آن باشد متعلق بمعاقله میگردد و صغیر و معتوه نیز حکم مجنون را دارد .

(۲۸) : — هرگاه ثابت شود که يك شخص يك جرم را که اصلاً مرضای او نبود مجبوراً به تهدید قتل و تلف عضو مرتکب گردیده است از مجازات معاف دانسته میشود ، تنها درین باب مجبوری که معتبر است نظر بدرجات جرم اولاً عبارتست از وقوع يك چنان کیفیتی که آن شخص را تماماً و کاملاً از شعاع رحمت بری الذمه نشان بدهد ، وثانیاً پیش آمد يك چنان ضرورتیکه او در مقابل آن مقاومت کرده نتوانستن خود را ثابت بسازد ، الا از قبیل امر والدین به اولاد و یا از بادار بخدمتگذار ، حالانیکه از تعظیم و احترام نشئت میکنند آنها را مجبورت گفته نمیشود .

تفصیل مجبورت مجبور و انواع معافی شان و بیان شرائط کامله (در کتاب فتاوی امامیه) انشاء الله تعالی اندراج مییابد .

(۲۹) : — مدافع از مال و جان که متعرض فی المقابل فی سلاح دیده شود در روز ، و شب ، و شهر ، و غیر شهر مساوی بوده از جزا معاف دانسته میشود ، و اگر مقابل غیر ذی سلاح و دارای آلات غیر مهلك مثل عصا باشد در خارج شهر شب و روز در معافی متساویست ، و در شهر به روز مطلقاً معاف نبوده تنها در شب معاف است ، بناء علی ذلك فاعل آن از جزا معاف دانسته میشود افعالیکه در اثنای هب و سرقتیکه اجرای جبر و شدت بوقوع پیوسته باشد و یا خود در سرقتها نیکه مورث چنان يك ضرر عظیمی میشوند که اراده و اختیار يك شخص را خلل دار میسازد بوقوع برسند و یا هرگونه افعالیکه برای دفع سارق و ناهب اجرا شود و یا در حالیکه استرداد مال ممکن نباشد ، هرگاه برای مدافعه خود محافظه و تحلیص و استرداد فوری مال افعالی بوقوع برسند آنها نیز جرم گفته میشوند .

(۳۰) : — اموال مسروقه در دست هر کس که باشد از وی گرفته میشود مگر جزا عاید است بفاعل سرقت .

(۳۱) : — اشخاصیکه به جمعیت سرقه نمایند اگر مال مسروقه به نصاب هر یکی از سارق بقرار تقسیم میرسید قطع بد، همه شوز و اگر به نصاب نمیرسد تعزیر شوند .

(۳۲) : — کسانیکه به عطای هدیه و با نقود و یا به اجزای تهید و یا به اعمال حبله و دسیسه و یا بصرف نقود و یا بصورت استعمال بیجای حکم مأموریت خود دیگری را بوقوع یافتن جرائم نحر یک نمایند و یا بوقوع یک جرم واقف گردیده برای حصول آن مجویزات نمایند و یا اسلحه و آلات و وسایطی را که مدار وقوع یک جرم باشد دیده و دانسته ندارک کنند یا در اعمالیکه سبب آماده گی و یا تسهیل و یا تکامل یک جرم باشند با فاعل اصلی آن معاونت ورزند همه این قسم کسان فرعا ذی مدخل همان جرم شناخته میشوند . کسانیکه برخلاف امنیت حکومت و امنیت عمومی و امنیت اشخاص و اموال دست درازی و یا استعمال جبر و شدت مینمایند و یا بر افعال و حرکات ارباب جرائم واقف بوده بآنها بالاختیار خوراک و خوابگاه و جای پناه و جای اجتماع میدهند نیز فرعا ذی مدخل شمرده میشوند ، کسانیکه اشیائی را که بصورت غضب و یا سرقت و یا خود از وقوع یافتن یک جرم استحصالی کرده باشند ، تماماً و یا یک قسمتی از آنرا دیده و دانسته حفظ و اخفا نمایند نیز در همان افعال ذی مدخل شناخته میشوند و نظر به این حالات مختلفه درباره کسانیکه فرعا ذی مدخل یک جرم باشند که عبارت از ساعی و معاون و محرک است تعزیراً مجزی فعل خود ها گرفتار میشوند ، و اما تعزید درجه تعزیری مدخل کمتر از جزای فاعل مستقل میباشد .

(۳۳) : — قوماندان کوتوالی و علاقہ داران و حکام محلی کہ بہ جہتہ بدست آوردن مجرم تحقیقات ابتدائیہ می نمایند البتہ محتاج برآند تا دلائل را کہ عند الشرع اثبات جرم آن نزد قاضی شود دستیاب کنند و آن ذیلاً مرقوم و در ہر کدام ، تعیین وظایف مامورین مذکورین واضح می گردد :—

(۳۴) : — ہر مظنون کہ بہ اثبات جرم او شاہدان عدول خواہ باصل جرم و یا باقرار مجرم بآن یا اقرار خود مجرم موجود باشد وہ قوماندان و علاقہ داران و حکام مذکورین دانستہ شود فوراً این چنین مظنون را توقیف کردہ قاعدتاً مظنون مذکور و مدعی را باشہود مقرر محکمہ شرعیہ بدارند کہ قاضی شرعاً فیصلہ بنماید اما مامورین حکومتی تا درجہ امکان جد و جہد نمایند کہ شاہدان مذکور ظاہراً شرع پسند باشند کہ شرعاً رد نشوند تا باعث زحمت نگردد چہ قاضی بغیر اقرار خود مجرم و یا شاہدان عادل باصل جرم و یا باقرار مجرم بآن و یا نکول مجرم از حلف در حقوق العباد و حدود و قصاص بہ مجرد نوشتہ و مکتوب بدون مخبرین شرعاً اعطای حکم کردہ نمیتوانند .

(۳۵) : — مظنونیکہ باثبات جرم و اقرار خود مظنون یا شاہدان عادل قرار مادہ ۳۴ بدست نیاید درینصورت مامورین بہ تفاوت درجات بقرار ذیل اجرا دارند .

در تعزیر متہم :—

(۳۶) : — ہر گاہ يك شخص بصلاحت مشہور باشد و يك جرمی مظنون شود و یک نفر عادل یا دوفقر مستور الحال در حق او بجرم حاضرہ مامورین اخبار بدهند شخص مذکور توقیف نمیشود و در بارہ او بحضور قاضی

شوگند است و بس، مگر تنها در جرایم عظیمه مشهوره که احتمال فرار باشد و یک نفر عادل یا دو نفر مستور الحال در حق او مجرم حاضره مامورین اخبار بدهند تا زمان حضور قاضی توقیف میگردد و باقرار خود مجرم و با بوجود دو نفر شاهدان عادل بزاصل جرم و یا باقرار مجرم در جرم و محکم قاضی محکوم می شود و در حال شهادت دو نفر شاهدان عادل در بدی او بحضور قاضی توقیف میشود تا زمان کشف حال .

(۲۷) : — هرگاه يك شخص مستور الحال که نه مشهور بصلاح است و نه معروف به فساد بيك جرمی مظنون شود و یک نفر عادل یا دو نفر مستور الحال نزد قاضی اخبار بفساد او نمایند ، مجرم اتهام محبوس میشود ، تا زمان کشف حال و اگر قاضی حاضر نباشد تا زمان حضور قاضی دیگر مامورین حکومتی او را توقیف کرده میتوانند .

(۲۸) : — اگر شخصی مستور الحال که نه مشهور بصلاح است و نه معروف بفساد بيك جرمی مظنون شود و یک نفر عادل یا دو نفر مستور الحال در حق او اخبار با اتهام نکرده باشند ، درین صورت قراین و اماراتی که موجب ظن غالب قاضی بقرار شرع شریف موجود باشد و شخص مذکور بهمان جرم محکوم نگردیده اما محکوم بجرم اتهام شده بقرار قرائن و امارات مذکوره تا زمان کشف حال توقیف میشود .

(۲۹) : — اگر يك شخص مفسد بيك جرمی مظنون شود که علم قاضی به اخبار عدول و یا کثرت واقعات جرم او برسد اما جرم حاضره او ثابت نشده باشد درین صورت علم قاضی معتبر بوده حاجت بشهود و ثبوت و دعوی نبوده مفسد مظنون محبوس میشود ، تا زمان ظهور آثار صلاح و توبه که موافق مواد نظامنامه هذا اجرا میشود .

(۴۰) : — اگر يك شخص مشهور بفساد مجرمی مظنون شود که علم قاضی به اخبار عدول و تکثر واقعات جرم او برسد اما جرم حاضره او ثابت نشده باشد درینصورت علم قاضی معتبر بوده حاجت بشهود و ثبوت ودعوی نبوده شخص مظنون مشهور به فساد را تعزیر الی قتل جازاست .

(۴۱) : — در کشف حال يك مظنون مستور الحال که بر ماده (۳۸) مذکور است بهر طریق از طرق ممکنه استنتاج مظنون لازم است تا شهود بر اقرار آن پیدا شود و یا اقرار و نکول او ظاهر گردد ، و از همسایه و جوار و املقات او تحقیق حال و اعمال و افعال او کرده شود که اگر بدی او ظاهر شد ، قاضی بقرار اخبار شهود یا بسبب جرم اهام حکم بر حبس او کند و اگر بدی او ظاهر نشود و نه اقرار کند و نه نکول رها داده شود ، هرگاه در اقرار مظنون تناقض پیدا شود ، ظن صریح گفته میشود و تعزیر کذب داده میشود ، صورت تناقض خواه تحریری یا شفاهی بحضور ماموریکه دونفر شاهد بتحریر و اقرار شفاهی او که تناقض پیدا شده بحضور قاضی حاضر بیاورد صحیح دانسته میشود .

(۴۲) : — در باره شخص مظنون به سرقه که مشهور بفساد باشد در حال استنتاج که بمضی دلائل ملزمت او از روی استنتاج ظاهر شود برای تکمیل اسباب ثبوت جرم هرگاه مفید دیده شود ضربیکه استخوان را نشکند یا گوشت بدن را نکفاند جائز است .

(۴۳) : — هرگاه در شب حاجت به تجسس و علم آوری در خانه يك مظنون شود قوماندان کوتوالی یا علاقه داران و حکام محلی که ایفای وظایف کوتوالی را هم مینمایند باید که باخود دونفر اشخاص متدین و یا یکفر مفتی را

ببرند که بحضور همان دو نفر متدین و یا یک نفر مفتی تلاشی خانه مظنون مذکور کرده شود و نظامنامه مفصل آن نیز ثانی وضع و نشر میشود .
 (۴۴) : — قراین و امارات بشرائطی که در ماده (۳۸) مذکور است خاص در تعزیراتی که حقوق الله باشد مدار حکم شرعی میشود ، اما تعزیراتی که در آن حق عبد است مدار حکم شرعی نمیگردد .

تعزیر در حقوق الله برای قاتل : —

(۴۵) : — در عفو یا ابراء یا صاحب ورثه الا و یا بهضت در دعوی قتل بعد از ثبوت قصاص که (حق العباد است) ساقط میشود اما در صورت صاحب بهض یا عفو بهض یا ابراء بهض حصه ورثه بنال بدل میگردد و در حق الله بقرار ذیل قاتل تعزیر داده میشود .

الف : — هرگاه فعل قتل بصورت خفی باشد و بصورت شدت و زور و مکابره نشده باشد و شخص مجرم مشهور بفساد نباشد و در ملک امنیت موجود باشد ، پس حکومت مجرم را بقرار مراتب اربعه تعزیر بدون قتل و حبس دوام میتواند .

ب : — هرگاه فعل قتل بطریق مکابره یا بالظلم باشد و شخص مجرم مشهور با الفساد باشد و در ملک امنیت باشد حکومت حسب فوق مجرم را تعزیر الی قتل کرده میتواند .

ج : — هرگاه قاتل مکابره یا الظلم نباشد اما مشهور با الفساد باشد تعزیر الی قتل میشود .

د : — هرگاه قتل بصورت خفی باشد و بصورت شدت و زور و مکابره نشده باشد و مجرم قصد اغواء کرده باشد و شخص مجرم مشهور

یا بالفساد نباشد و در ملک امنیت موجود نباشد حکومت بنا بر
مصاحبت وقت تعزیر الی قتل کرده میتواند

(۴۶) : — تعزیر حقوق الله برای دزد و قطاع الطريق : —

الف : — هرگاه بر شخصی یا اشخاص فعل دزدی و یا سرقه ثبوت شود
و حد شرعی لازم گردد بقرار امر شرع شریف اجرای حد میشود ،
و اگر حد شرعی لازم نشود مگر فعل دزدی و سرقت ثابت شود
در صورتی که تکرار فعل باشد از طرف حکومت تعزیر الی قتل
داده میشود .

ب : — اگر شخصی یا اشخاص قطاع الطريق باشد که در شهر یا بیرون
شهر داره کنند ، اگر حد شرعی در باره آنها ثابت شود
اجرای حد در حق آنها میشود در صورتی که حد شرعی
ثابت نشود ، مگر قطاع الطريق آنها ثابت شود از طرف حکومت
تعزیر الی قتل کرده میشود .

اگر قطاع الطريق گرفته شود که اذمهال یا قتل نفس نکرده باشد تعزیر
بدون قتل به حبس است الی ظهور آثار توبه و یا تا پمیرد و اگر مال گرفته
باشد و قتل هم کرده باشد ، سر کرده او یا یکی از رفقای او اگر حد شرعی
در بالای او شان لازم شد اجرا میشود و اگر حد شرعی لازم نشد از طرف
حکومت تعزیر الی قتل کرده میشود

(۴۷) : — شاهدانیکه بیک فعل واجب التعزیر در حقوق الله نزد قاضی ادای شهادت

نمایند اگر چه جرم مذکور در آن مکنه مختلفه دیدم شده باشد شهادت
شان صحیح است مثلاً بیک پولیس که عادل باشد در بیک محل بیک شخص را در

شب معاینه کرد که دو چراغ موتور و با یکی آن روشن نبود و دیگری عمل بویاس عادل دیگر گادی و یا موتور همان شخص را بی چراغ روشن دیده باشد هر دو نفر اشماد و اخبار کنند مجرم مذکور مجرم تعزیری گرفتار میشود .

(۴۸) : — در فقره قتل که دیت بهاریق قسامت و یا قتل خطا در نفس و یا بقی

اعضای آن حکم میشود محصول فیصله خط آن مانند بقی فیصله خطهای دعاوی قصاص و حدود میباشد که زیاد از شش روپیه گرفته نشود .

(۴۹) : — هرگاه شخصی محکوم به قصاص گردیده برای استیفای قصاص ورثه مقتول

تسلیم شود ورثه مقتول میتواند که خودش محکوم را با اسلحه مثل شمشیر

و یا کارد تیز و تفنگ قصاص کند و یا یک نفر و یا چند نفر را از طرف خود

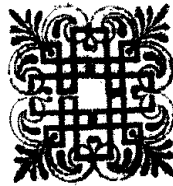
وکیل بگیرد که آنها با اسلحه مثل شمشیر و یا کارد تیز و تفنگ و کالتا قصاص

نمایند بشرطیکه خود ورثه در وقت استیفای قصاص حاضر باشد .

(۵۰) : — یک شخص که بروی چندین مجرم واجب التعزیر حقوق الله یکباره گوی

ثابت شود بموجب همان جرمی که مستلزم جزای سنگین تر باشد حکم

در باره وی صادر می گردد .



باب اول

فصل اول

- (۵۱) : — با دشمنان افغانستان متفق گردیده بر علیه افغانستان یعنی بر خلاف افغانستان سلاح گرفتن (تعزیر) .
- (۵۲) : — یکدولت اجنبی را بر علیه افغانستان بحرب برانگیختن (تعزیر) .
- (۵۳) : — در داخل شدن دشمن به افغانستان سهولت بهم رسانیدن و بفرضیکه دشمن به آسانی در افغانستان راه و استیلا یابد راه ها و ریلها و قلعه ها و ماشینخانه های افغانستان را مخرب نمودن و عسکر دشمن را بسلاح و پول معاونت کردن و عسکر افغانستان را در مقابل دشمن بعدم مقاومت تشویق نمودن و یا برای از قوه بفعل آوردن یکی از این جنایات با دشمن مخابره کردن (تعزیر) .
- (۵۴) : — بدشمن از ترتیبات عسکریه مملکت واقعه های مدافعه و تعرض و مقدار قوه عسکریه و الحاصل یکی از اسرار عسکریه و اسرار مهمه سیاسی را خبر دادن (تعزیر)
- (۵۵) : — عسکر افغانستان را بفرار کردن بسوی دشمن تشویق و اغوا نمودن (تعزیر)
- (۵۶) : — جدا ساختن و علیحده گردانیدن یک قسم اراضی افغانستان را از افغانستان و یا خود در آنجا برای تاسیس دادن یک اداره مستقله جدا گانه از اداره دولت کوشیدن (تعزیر) .

- (۵۷) : — بغرض کوشش در ایجاد يك حرب بر علیه افغانستان محاکم یک دولت اجنبی بناه بردن (تعزیر) .
- (۵۸) : — پیش از اعلان حرب یکی از تبعه افغانستان در خدمت عسکری دشمن بوده پس از اعلان حرب نیز در همان خدمت دشمن بماند (تعزیر)
- (۵۹) : — تبعه افغانیه را بر علیه حکومت به بی وعصیان تشویق دادن و متعاقباً فعل عصیان بوقوع آمدن (تعزیر) .
- (۶۰) : — بی وقوع فعل بغاوت فقط در تولید ماده بغاوت کوشیدن (تعزیر) .
- (۶۱) : — بیرق‌ها و نشانهای افغانستان و یادول اجنبیه دوست او را بغرض حقارت و استخفاف پاره کردن (تعزیر) .
- (۶۲) : — تشویق نمودن اهالی افغانستانرا بمقاتله یکدیگر و بدینغرض آنها را بضد همدیگر مسلح گردانیدن (تعزیر) .
- (۶۳) جرائمیکه در قاعده های (۵۹) و (۶۰) و (۶۲) بیان گردیدند ، هرگاه از طرف بعض جمعیت ها بعمل آید رؤسای شان و نفری شان نسبتاً (تعزیر) .
- علاوه بران جرائمیکه درین قاعده ها بیان گردیده هرگاه به آنخصوص در میان بعض اشخاص مذاکره و مفاهمه بمیان آید و به بعضی اسباب توسل ورزیده شود کسانیکه در مذاکره و مفاهمه شامل میباشند ، رؤسا و باقی شان نسبتاً (تعزیر) .
- و اگر تنها مذاکره بوقوع آید و اسباب توسل ورزیده نشود رؤسا و باقی اعضا نسبتاً (تعزیر)
- اگر از میانه شان یک نفر تکلیف نماید و دیگران تکلیفش را رد نموده

قبول نکند شخص تکلیف کننده (تعزیر) .

کسانیکه بتدارك و اعمال و احضار و اعطای سلاح و الاتیکه يك جمعیت فسادیه برای اجزای مقصد خود بآن محتاج است پردازند ، هرگاه ماده فساد بموقع فعل آید (تعزیر)

والا اگر بموقع فعل نیامده بدرجه تشبث باقی بماند نسبتاً (تعزیر) چون در افغانستان تجارت اسلحه جاری است کسانیکه به پیشه اسلحه ، فروشی و تجارت سلاح مشغول باشند ، هرگاه برفساد مذکور وقوف نداشته برآنها اسلحه بفروشند از جزا معاف هستند .

(۶۴) : — کسانیکه عسکر دولت را به بلوا و بغاوت تحریک و تشویق نمایند (تعزیر)

(۶۵) : — قصداً ماشینخانه ها و انبار خانه های دولت را احراق نمودن (تعزیر)

(۶۶) : — کسانیکه بتاراج کردن نقود و اشیای رعیت و دولات تشبث و بزند ، رؤسا و بقیه نفری نسبتاً (تعزیر)

(۶۷) : — دزدانیکه در کوهها و صحرا ها مسلح گشت و گذار نموده مردمانرا لخت میکنند ، اگر بمطابق (فتاوی امانیه) - لازم نشود بعد از تاوان (تعزیر) .

(۶۸) : — کسانیکه بمقصد قطع طریق در کوه ها و صحرا ها مسلح گشت و گذار نموده قبل از دزدی و تاراج گرفتار شوند (تعزیر)

(۶۹) : — از ارباب شقاوت مستمره کسانیکه قبلاً هم مرتکب جرمی گردیده باشند ، و یا رهنماییکه در دست افتاده گان خود را شکنجه و اذیت مینمایند و یا در انهای قطع طریق مردمانرا میکشند (تعزیر) .

(۷۰) : — اگر رهنمان کسی را قتل نکرده و مال نگرفته مجروح کرد اگر

بمطابق (فتاوی امانیه) حد لازم نشود بعد از تاوان (تعزیر)

۷۱ : — در کوچه ها و میدانها بغرض تشویق مردم برای عصیان اوراق مضرة مطبوعه و یا غیر مطبوعه را نشر کردن و یا برای این مقصد اطاقها گفتن هرگاه عصیان بظهور آید (تعزیر) و هرگاه بظهور نیاید نسبتاً (تعزیر) و اگر بالتکرار در محل دیگر هم از ایشان اینگونه اوضاع سرزند اگرچه فعل عصیان بظهور نیاید (تعزیر)

۷۲ : — کسانیکه اخبارها و بیان نامه هائیکه بغرض تشویق مردم برای عصیان نوشته شده باشند در نزد خود داشته هنوز توزیع نموده باشند (تعزیر)

۷۳ : — کسانیکه در اجراء نگردیدن یکی از اوامر و قوانین موضوعه دولت و یا برای تحصیل نشدن اموال دولت صرف نفوذ نمایند و از مأمورین دولت نباشند هم (تعزیر) .

۷۴ : — اگر شخصی در خانه يك کسی بی آنکه خانه خودش باشد جراً و یا خود تهدیداً و تخویفاً یا آنکه خفیتاً داخل شود (تعزیر) تحقیق و تفتیشی که دوائر پولیس بعضی خانه های مشتبّه را بنمایند از این قاعده مستثنی است .

۷۵ : — کسیکه ورثه مقتول را بر عفو کردن از قصاص نایبه مجبور کند ، قاتل و شخص جابر (تعزیر) .

۷۶ : — هرگاه یکی از رعایا اسبابی را که فرار مجوسین را تسهیل نماید تهیه و تدارک کند (تعزیر) .

۷۷ : — کسانیکه برای تسهیل فرار مجوسین برای شان سلاح و سائط تدارک نمایند (تعزیر) .

(۷۸) : — محبوسینکه از حبس خانه ها فرار می نمایند و باز دستگیر شوند علاوه بر اصل جزای فعل سابق آنها نسبتاً دیگر تعزیر نیز داده میشود .

(۷۹) : — کسانیکه توقیف و بزیر استنطاق اند و هنوز حکم شرعی بر اوشان صادر نگردیده از باعث غفلت بهره دار فرار کنند نسبت بآنها مقرور محافظ غافل (تعزیر) .

(۸۰) : — کسانیکه يك بندي فراری و یا اشخاص متهم جرم را شناخته حمایت می نمایند (تعزیر) .

و خویشاوندان مقرور از اصول و فروع از قبیل پدر و مادر و ازواج و اولاد مذکور اگر حمایت کنند از خفیه داشتن او از جزا معاف هستند .

(۸۱) : — مهریه که از طرف مامورین دولت برای حفظ بعضی اشیا و یا اوراق و یا کدام محل وضع شده باشد کسی که آنها بشکند (تعزیر)

علاوه بر شکسته شدن مهر هرگاه بعضی اشیا و اوراق هم دزدی شده باشد اگر مطابق (فتاوی امانیه) بر سارق حد لارم نشود (تعزیر)

(۸۲) : — کسانیکه اوراق رسمیه دولت را سرقت و یا محو و اتلاف نمایند (تعزیر)

(۸۳) : — اگر شکسته شدن مهر و سرقت اوراق رسمیه و محو و اتلاف آن از طرف بعضی اشخاص بصورت هجوم بر محافظ آن بعمل آید هر يك از هجوم کننده گان [تعزیر] .

(۸۴) : — کسیکه بی صلاحیت و ما ذونیت خود را چنان نشان بدهد که گویا يك منصب ملکی و یا نظامی منسوب بوده علاوه بر اینها وظایفیکه بآن منصب عاید است جرات ورزد (تعزیر) .

(۸۵) : — کسیکه بدون مآذونیت دولت سر بخود فیصله حقوق اشخاص را که

- بصورت اصلاح نباشد بخاید (تعزیر) .
- (۸۶) : — کسیکه احوال غیره بقوله را که از نزد وی حکماً گرفته شده ، بمنتحش
تسلیم گردیده باشد بالتکرار ضبط نماید مال مضبوطه بصاحبش مسترد
گردیده علاوه (تعزیر) .
- (۸۷) : — کسانیکه آلات تاخراف و تیلفون را قصد آخواب نمایند علاوه بر گرفتن
قیمت ضرر (تعزیر) .
- (۸۸) : — کسیکه سیم تیلفون و تاخراف را بریده و پیمای آنرا اداخته و موجب
تعطیل و تعویق مخابرات گردد (تعزیر) .
- (۸۹) : — اگر این معامله بریدن و مخزیب سیم های تیلفون و تاخراف در اثنای
یک محاربه و یا اختلال بوقوع آید نسبتاً (تعزیر) .
- (۹۰) : — کسانیکه مسکوکات قاب بسازند و قاب جلانی میکنند (تعزیر) .
- (۹۱) : — کسانیکه پسته قاب را نا دانسته داد و ستد نمایند هیچ مستحق جزا
نمیشوند ، فقط بعد از آنکه قاب شناسی را آموخته باز هم مجازند آن
کوشش ورزند (تعزیر) .
- (۹۲) : — کسانیکه اشیاء تقلیدی مثل کره گات کرده طلا و نقره و امثال آنرا به
قیمت اصل جنس فروخته بانقسم ساخته کاری نمایند بعد از تاوان
شرعی (تعزیر) .
- (۹۳) : — کسانیکه فرمایشهای پادشاهی و مهرهای حکومت و مهرها و امضاءهای
مأمورین دولت و اوراق و سندایکه تعاق بدفترها باشد تقلید و تحریف
نموده استعمال کنند هر گاه نقصان بیت المال و یا از اهالی را نموده
باشند بعد از تأدیه مقدار نقصان (تعزیر) .
- هر گاه از فرمان ساخته گئی پادشاهی به دولت يك ضرر کلی برسد

نسبتاً (تغزیر) .

کسانیکه اینگونه اوراق ساخته گی و محرف را بدست آورده استعمال نمایند (تغزیر) .

(۹۴) : — کسانیکه خواه برای خلاص کردن خود و یا دیگران از خدمت دولت بنام طیب ما شهادتنامه ساخته گی بسازند (تغزیر) .

(۹۵) : — همچنان طیب ما و جراح هائیکه خواه بینی برشوت و خواه بنابر خاطر والهاس برای رها نیدن يك آدم از خدمت دولت شهادتنامه کاذب بدهند (تغزیر) .

(۹۶) : — اشخاصیکه سندات تقلیدی یا مخربنی در باره مدعی علیه خود به محاکم دولت ابراز نمایند بعد از تاوان که بمدعی علیه ضرر عاید گردیده باشد نسبتاً (تغزیر) .

(۹۷) : — کسانیکه بنادانی و ناشناسی چیزهای ساخته گی و تقلیدی را استعمال میکنند (از جزا معاف هستند) .

(۹۸) : — هرگاه شخصی بخانه کسی قصد آتش بزند بعد از تاوان مال محروق (تغزیر) و اگر التهاب آتش بدیگر خانه های متصل آن سرایت کند علاوه بر تاوان مال محروقه (تغزیر) .
و هرگاه آتش زده گی مذکور سبب قتل نفس شود علاوه بر دیت شرعی (تغزیر) .

(۹۹) : — کسانیکه خواه در داخل شهر و خواه خارج شهر در وقوع یافتن حریق تشبث و کوشش نمایند و لاکن بفعل آورده نتوانند (تغزیر) .

(۱۰۰) : — کسیکه چوب های بریده و محصولات درویده را مانند خرمن وغیره آتش بدهند علاوه بر تاوانیکه بصاحب مال میدهد (تغزیر) .

- (۱۰۱) : — هرگاه حرقی که قصداً از طرف آتش زننده گان بوقوع آید و موجب و قات انسانها گردد علاوه بر تادیبه دیت ها (تعزیر) .
- (۱۰۲) : — کسیکه يك آدم را بآتش زدن امر اجبار نماید بخوف قتل اگر چه آتش زده گی بوقوع نیاید شخص جابر (تعزیر) .
- (۱۰۳) : — در افغانستان ساختن شراب و استعمال و ادخال آن و مسکرات دیگر بکلیه ممنوع است ، مگر چرس و بنک که از محصولات افغانستان است ، تنها خرید و فروش آن برای استعمال در داخل ممنوع است ، اخراج آن بمالك خارجه ممنوع نیست .
- (۱۰۴) : — کسیکه علناً شراب نوشی نمایند (۸۰) دره ضرب میشوند .
- (۱۰۵) : — کسیکه خفیتاً شراب نوشی نموده از آثار پلایه یعنی از بعضی قرائن و استدالات خفیتاً شراب نوشی شان بقرار شرعی ثابت گردد (۸۰) دره ضرب میشود .
- (۱۰۶) : — کسیکه شراب بدیگران میفروشند (تعزیر) .
- (۱۰۷) : — کسیکه شراب سازی مینمایند بعد از اتلاف شراب او (تعزیر) .
- (۱۰۸) : — کسیکه از خارج شراب را بافغانستان ادخال مینمایند شرابش اتلاف و خودشان (تعزیر) ،
- همه قواعد این فصل خاص به اهل اسلام و تبعه افغانیه باید است فقط درباره تبعه اجنبی کسیکه برای تجارت باافغانستان شراب را داخل کرده و با فغانها بفروشد بموجب قاعده های فوق جزا می یبند .
- (۱۰۹) : — کسیکه چرس و بنک میکشند و یا تریك میخورند ، هرگاه سن شان از پانزده اضافه باشد (تعزیر) .

- (۱۱۰) :- کسانی که علناً و یا خفیتاً بازنگر بازی کنند (تعزیر) .
- (۱۱۱) :- کسانی که علناً و یا خفیتاً بازنگری کنند (تعزیر) .
- (۱۱۲) :- هرگاه پدر و اقربای یک بیچه در پیشروی خود همان بیچه را بر قصدن مساعده نمایند (تعزیر) .
- (۱۱۳) :- برای هر نفر از دسته بازنگر (تعزیر) .
- (۱۱۴) :- رقاصی زن بحضور مردان هر واحد از مردان و زنان (تعزیر) .
- (۱۱۵) :- در مسایل قتل و جرح برای تفصیلات احکام قصاص و دیت قاضی باید که بکتاب فتاوی امانیه ، مراجعت بکند .
- (۱۱۶) :- قتل عمد قتلست که باستعمال آله قاتله قصداً حادث شود چون سلاح و مانند آن مثل چوب تیز و سنگ تیز و آتش . و قتل شبه عمد قتلست که بغير سلاح و آلات کشتنی مذکورہ قصداً اتلاف حادث شود .
- (۱۱۷) :- هرگاه شخصی شخص دیگر را بصورت عمد قتل نماید (قصاص) .
- (۱۱۸) :- هرگاه فاعل قتل عمد نامعلوم باشد و قتل موجود بود اگر در آبادی باشد و یا در مسجد محله (دیت بر اهل محله و آبادی) .
- و اگر در مسجد جامع و یا راه عامه بود (دیت بر بیت المال است) .
- و اگر در بیابان بود (هدر است) .
- (۱۱۹) هرگاه قاتل بر فعل قتل عمد اقرار باشد ، و ورثه مقتول او را عفو نمایند ، قاتل (تعزیر) .
- (۱۲۰) :- هرگاه تنها یک نفر از ورثه مقتول قاتل را که بر فعل قتل عمد اقرار کرده عفو نماید بعد از دیت (تعزیر) .
- (۱۲۱) :- و اگر قاتل قوم دار و بیسه دار بوده بدان لحاظ از طرف ورثه مقتول

عفو شود . همه حال (تعزیر) .

و اگر اولیای مقتول باقاتر و مقتول قرابت پدر و مادر و برادر و خواهر داشته باشد و قاتل را عفو کند ازین قاعده مستثنی است .

■ (۱۲۳) :- هر گاه یکی از ارباب جنایت و شقاوت مستمره برای بممل آوردن يك جرم عظیم مردمان دیگر را غدارانه شکنجه و یا اذیت نماید (تعزیر)

■ (۱۲۴) :- هر گاه شخصی بصورت شبه عمد کسی را بقتل رسانید (دیت شرعی بر عاقله) اولاً قریبه ثم فتم بر سه سال قسط .

■ (۱۲۵) :- هر گاه شبه عمد مکرر شد (تعزیر)

■ (۱۲۶) :- اگر طافله قریبه و بیمده نداشت مثل لقیط و حربی مستامن (دیت بر بیت المال و تعزیر بر قاتل)

■ (۱۲۷) :- اگر ورثه مقتول دیت را عفو کند ، قاتل (تعزیر)

■ (۱۲۸) :- و اگر عفو در حق يك قومدار و دولت مند باشد (تعزیر)

■ (۱۲۹) :- کسیکه جسد يك مقتول را اخفا نماید و یا آنکه بحکومت خبر بدهد (دیت بر عاقله)

■ (۱۳۰) :- هر گاه شخصی شخص دیگر را لت و کوب و یا جرح نمود و موجب قطع و شکستن و سقوط عمل یعنی از کار برآمدن یکی از اعضایش گردد علاوه بر دیت شرعی برجانی در صورت عمد (تعزیر)

و از غیر عمد که خطاست (دیت بر عاقله)

■ (۱۳۱) :- شخصی که شخص دیگر را لت و کوب و یا مجروح نموده موجب از کار

پس ماندن او گردد ، اگر به مطابق احکام (فتاوی امانیه) قصاص

و یا دیت لازم نباشد بعد از ادای ارش و تاوان جرح (تعزیر)

(۱۳۱) :- کسانیکه از آبا و اجداد و امهات خود یکی را ضرب و یا جرح نماید (تعزیر)
 و اگر سب سقوط یکی از اعضا شد علاوه بر دیت شرعی و قصاص

(تعزیر)

(۱۳۲) :- کسیکه به مقصد قتل استعمال سلاح نمود (تعزیر)

(۱۳۳) :- کسیکه خطاه سبب تلف يك آدم گردد بعد از دیت شرعی (تعزیر)

(۱۳۴) :- هرگاه شخصی خطاه شخص دیگر را مجروح بسازد بعد از دیت شرعی

که ادا نماید اگر کیفیت جرح از عدم رعایت بنظامات آمده باشد

(تعزیر)

(۱۳۵) :- هرگاه يك شخص به امر يك آمر جابر شخصی را جبراً و کرها قتل

کند و یا ضرب و جرح نماید و مجبوری او بقرار ماده (۲۸) ثابت

گردد (جزای قاتل و ضارب و جاح در حق آمرش اجرا میشود)

(۱۳۶) :- کسیکه در خانه خود مرد بیگانه را با حرم خود مخلوط به یزند و او را

بقتل رساند (از جزا معاف دانسته میشود)

(۱۳۷) :- کسانیکه آبا و اجداد و امهات خود را بقتل برسانند اگر بقرار

(فتاوی امانیه) قصاص لازم نشود (تعزیر)

(۱۳۸) :- کسیکه شخص مستامن را بکشد (تعزیر)

(۱۳۹) :- اگر بعضی از ورثه . معاون قتل مورث خود بوده عفو نماید بدون

حصه ورثه عفو کنند دیت از مال قاتل اخذ یورثه باقی مقبول داده

شود چون عفو او مسقط قصاص میگردد قاتل (تعزیر)

(۱۴۰) :- اگر بر اقرار قاتل عمد مامورین دولت که رسماً بتحقیقات ابتدائیه

موظف هستند در محکمه شرعیه گواهی داده و شرطاً اثبات شود پس از حکم

قاضی ورثه مقتول عفو نمایند مجازات قاعده (۱۱۹) محکوم
میشود .

(۱۴۳) سابی و قادیانی و زندیق (قتل کرده شود) و سارق که تکراراً سرقه کند
(تعزیراً قتل شود) . و خنای تکرار خنق که کسی را کشته اند
(قتل میشود) .

(۱۴۴) : — شخصیکه نامه تهدید قتل بفرستد بدین مضمون که در صورت عدم
ایفای مطالبات خود او را محو و اعدام خواهد نمود (تعزیر) .

(۱۴۵) : — اشخاص متهم بالقتل که قبل از محکومیت خفینا و ارثان مقتولین را
مبلغ و یا جنس معینی رضامند ساخته ورثه در محکمه شرعیه سوگند
نهدند و کار سازی شان ثابت شود شخص متهم بالقتل بعد از علم قاضی
(تعزیر) .

و اگر قبل از مرافعه حکومت و قضا برای پامال کردن مصالحه نموده
و حکومت اطلاع ندهند چون اطلاع و ائعات قتل بحکومت حتمی
است بنابراین ورثه مقتول نیز (تعزیر) می شوند .

(۱۴۶) : — زنیکه به استعمال و سایط مخصوصه و یا از طرف دیگری به استعمال آن
رضا داده موجب اسقاط جنین خود گردد .

علاوه بر تاوان شرعی صکه عبارت از غره که نصف عشر دین بمعاقله
است (تعزیر)

(۱۴۷) : — زنیکه برضای یکنزد دیگر تدارك و سایط مخصوصه بوده بدون رضای

شوهر جنینش را اسقاط نماید علاوه بر تاوان شرعی مذکور (تعزیر)

(۱۴۸) : — هر گاه درین اثنا حامله وقت گردد و جنینش ساقط گردیده بود علاوه

بر تاوان شرعی که بمعاقله حامله میشود برای زنیکه واسطه شده (تعزیر)

(۱۴۷) :- در صورتیکه بدون رضای زن و سابط مخصوص، استعمال کرده شود، یا
افعالی مانند ضرب و جرح موجب سقوط جنین گردد، فاعل علاوه
بر تاوان شرعی که بر ماقله جارح و ضارب می آید (تجزیر) .

(۱۴۸) :- اگر در اتسای اینگونه اسقاط جنین، زن وفات نماید و جنین بیست شده ساقط
شود تاوان جنین و دیت زن هر دو ذمه فاعل است، و هر گاه جنین
حیات بود در ثانی فوت کرد دیت کامل بر ذمه فاعل بود و (تجزیر)
در هر دو صورت میباید .

(۱۴۹) :- هر گاه اینجنین جرایم رایك طیب یا قابله اجرا نماید علاوه بر جزا های
که در قاعده های پنجگانه معین است در حکم هر قاعده که داخل باشد
بعد از تاوان شرعی بر عاقله زن (تجزیر بر طیب جاهل و قابله)

(۱۵۰) :- هر کسیکه ایک بچه فول شنیع لواطت اجرا نماید (تجزیر الی قتل)

(۱۵۱) :- اگر مفعول کمتر از ده سال باشد (از جزا معاف) . و اگر عمر مفعول
زیاده از بانزده سال باشد و جبراً فعل شنیع در حق او اجرا شود
از جزا معاف)

(۱۵۲) :- اگر مفعول عمرش زیاده از بانزده سال بوده برضا و رغبت خود
بفعل شنیع تن داده باشد، تجزیر الی قتل .

(۱۵۳) :- اگر کسی برای بچه بازی بچه نگاه کند (تجزیر) . و امرد نیز در صورت
رضا نیز بهمین (تجزیر) محکوم میشود .

(۱۵۴) :- کسیکه منہم بفعور باشد اگر يك امرد را با کراه بگریزند
(تجزیر) و اگر يك شخص مستور الحال با کراه و یا بصورت خدعه بگریزند
همه حال استثناء (تجزیر)

- ۱۰۰ - هر گاه شخص محسن با زن غیر محصنه فعل زنا نماید [زای رجم و زانیه صد دره] .
- ۱۰۱ - هر گاه يك مرد محسن با يك زن محصنه برضای جانبین فعل شنيع اجرا نماید (زانی و زانیه رجم) .
- ۱۰۲ - اگر يك مرد غیر محسن با يك زنیکه شوهر زن عسکری باشد که در مقابل دشمن بجاربه است، فعل شنيع اجرا نماید (زانی صد دره علاوه تعزیر زانیه رجم) .
- ۱۰۳ - اگر کسی يك زن شوهر دار را که شوهرش خواه در سفر و خواه در حضر و خواه زن عسکری و خواه از اهالی باشد بطور جبر و یا حيله بگریزند (تعزیر) .
- در صورت جبر و حيله زن شوهر دار (از جزا معاف) و در صورت رضا بجزای مذکور گرفتار میشود .
- ۱۰۴ - اگر کسی يك زن بیوه را و یا يك دخترخانه را بطور جبر و یا حيله بگریزند (تعزیر) .
- ۱۰۵ - هر گاه شخص غیر محسن با يك زن محصنه فعل زنا اجرا نماید (زانی صد دره ، زانیه رجم)
- ۱۰۶ - هر گاه يك شخص غیر محسن با يك زن غیر محصنه زنا ~~کند~~ (زانی و زانیه صد دره) .
- ۱۰۷ - اگر یکی از طرفین در ارتکاب فعل شنيع جبراً مجبور شده باشد (مجبور از جزا معاف دانسته میشود) جابر (تعزیر) میشود .
- ۱۰۸ - زنیکه با دیوانه زنا کند (تعزیر) .
- ۱۰۹ - زنیکه شوهرش غائب باشد و خودش حاهله گردیده بر زنا اقرار و

نسبت فعل را بر يك شخص منكر نمايد ، اگر برضای خودش فعل
وقوع یافته باشد (تعزیر) .

(۱۶۵) : — گر بختادن زن شوهردار در صورت اقرار زن که برضای خود رفته
باشد و یا بقرائن قطعیه ثابت شود نسبتاً (تعزیر) .

(۱۶۶) : — در مسئله زنا که حد شرعی بشبهه ساقط شود (تعزیر) .

(۱۶۷) : — کسیکه يك صدمه غیر فعل زنا بکارت یا کره را زائل کند علاوه
بر مهر مثل (تعزیر) .

(۱۶۸) : — مردیکه با زن اجنبیه بغیر زنا و لواطه بباقی اعضای او دست درازی

و یا مساس کند در صورتیکه مرد اکرام کند تنها مرد ، و در صورت

رضا زن و مرد هر دو (تعزیر) .

(۱۶۹) : — زنهاییکه به بد افعالی متواتره شهرت پیدا کنند (تعزیر) .

(۱۷۰) : — شاهدانیکه بزنا شهادت داده‌اند در زمان رجم زانی فوت و یا بدون

عذر غائب شده باشند از محکوم علیه مذکور حد ساقط شده (تعزیر

و تشهیر) میشوند .

اگر قبل از یکماه شاهدان مذکور حاضر شوند محکوم علیه (رجم

و اگر پس از یکماه حاضر شوند حد ساقط و همان تعزیر اجرا میشود)

(۱۷۱) : — کسانیکه بر معاملات جزاییه شاهدی ناحق میدهند (تشهیر) .

(۱۷۲) : — کسانیکه مسائل حقوقیه شاهدی دروغ بدهند و یا قسم ناحق بخورند

در صورت رجوع شاهدان ، علاوه بر مقدار تقصاییکه بصاحب حق

رسیده (تشهیر و تعزیر) .

در صورت عدم رجوع شاهدان تنها تشهیر .

(۱۷۳) : — کسانیکه شخصی را بموضع شخص دیگری که حقیقتاً آنشخص حاضر نباشد در محکمه آورده برای فواید خود بفریب از اقرار شخص غائب وثیقه شرعی حاصل نمایند ، کذا بعض اشخاص در واقعه مذکور تصدیق نمایند هرگاه منفعتی حاصل کرده باشند به شخص ضرر رسیده مسترد گردیده اشخاص فریب کنند (تعزیر) . و نفی مصدقین جزای شاهد زور می بینند اگر فائده تحصیل نکرده باشند فریب کنندگان و مصدقان معامله مذکور جماعاً جزای شاهد زور می بینند .

(۱۷۴) : — درحالیکه يك وارث عدم وقوع قتل را دانسته بريك شخص بتدارك شاهد زور دعوی قتل اقامه نماید و بطلان دعوی او بصورت بر حیات بودن مقتول ثابت گردد وارث مدعی (تعزیر) .

(۱۷۵) : — هرکسیکه بقوه اجرائیه و یا بقوه عدلیه و یا بیک مأموریکه واسطه رسانیدن کیفیت است باین دو قوه اخبار نامه و یا شکایت نامه داده بیک شخصی که بیگناهی او را محقق میداند ، یا از برای غرض بیک مأموریکه يك گناه را اسناد کند و یا خود در مخالفت آن شخص آثار دلایل مادی بسازد و جرمهای اسناد کرده گی او برخلاف ظاهر شود نسبتاً مفتری (تعزیر)

(۱۷۶) : — هرگاه شخصی برخلاف شخص دیگر قذف یعنی جرم اسناد زنا را ارتکاب کند ، قاذف بر طبق فصل مخصوص (فتاوی امانیه) [هشتاد دره ضرب می شود] .

(۱۷۷) : — هرکسیکه برخلاف دیگری به تعیین يك جرم مخصوص و یا به بیان کردن يك ماده مخصوصه که تشکیل جرم نماید مهملان را بپقارت و خصومت

خود معروض داشته و یا کسی را با اسنادی که موجب کمرو ناموس و اعتبار او باشد ذم کند (تمزیر) .

(۱۷۸) : — برای اینکه ذم مذکور مستلزم جزا باشد واقع گردیدن آن یکی از

صورت‌هایی که در ذیل نشان داده شده شرط است : —

اولاً : — در مواجهه متجاوز علیه در يك مجلس و یا در يك موقع که دیگر اشخاص شنیده بتوانند علنی باشد .

ثانیاً : — باید در غیاب متجاوز علیه و لاکن با یکچند اشخاص مجتمع و یا متفرق اختلاط کرده اجرا شود .

ثالثاً : — باید بصورت اسم و نوشته لوايح عبرت که بر عموم نشر و تشهیر

میگردد و یا بر بعضی مردمان توزیع گردیده باشد و یا مکتوب

کشاده که برای راست بمتجاوز علیه فرستاده شده باشد و یا

بواسطه ورقه پوست رقوع یافته باشد .

رابعاً : — باید با هر رقم جرائد و وسائل یومیه موقوته و هر نوع

مطبوعات و وسائل نشریه واقع شود .

(۱۷۹) : — هر گاه بر خلاف شخصی که با شتم دچار تجاوز گردیده است از سبب

ماده که موضوع شتم است تعقیبات قانونیه اجرا شود و مستحق شود که متجاوز

بیگناهی شخصی را که بروی تعرض واقع گردیده دانسته در صد پیوستن

اسنادات به اوست آنگاه شتم بافترامنقاب گردیده مطابق قاعده که در

باره افتراست حکم داده میشود ، هر گاه شخصی که ارتکاب جرم شتم

را نموده در باره براءت ذمه خود اثبات صحت و یا شهرت فعلیه بر متجاوز

علیه اسناد نموده نخواهد این ادعایش قبول نمیشود .

۱۸۱ : — هر کسیکه بدون تعیین کدام ماده مخصوصه بیکصورت دیگر بر ناموس و یا شهرت و یا حیثیت یکشخص دیگر مرتکب فعل (قدح) گردد (تعزیر) جرم (قدح) نیز یکی از صورتهای چهارگانه که در باره شتم ذکر شد لازم است که بوقوع بیاید فاعل قدح هرگاه اثبات گردن چیزهای را که اسناد کرده است ادعا نماید مسموع نمیشود .

۱۸۲ : — هرگاه در میان دزدان یکنفر و زیاده ازان مساح بوده در اثنای شب دیوار یک خانه و یا دکانیکه دران انسان اقامت میورزد شکافته و یا اینکه قفل آنرا شکستانده و یا خود خویشان را مانند مأمورین دولت نشانداد و یا یک امر ساخته گی که از یک مأموردولت گرفته باشد ابراز نموده بدرون داخل شده و انجا جبر و شدت نموده دزدی کنند اگر بمطابق کتاب (فتاوی امانیه) حد لازم نشود ، بعد از تاوان شرعی هر یکی از دزدان را (تعزیر)

۱۸۳ : — هر گاه دو کس و یا زیاده بران یک خانه در آمده با اجرای معامله جبر و شدت دزدی کنند اگر بمطابق (فتاوی امانیه) حد لازم نشود ، هر یک از دزدان (تعزیر)

اگر در اثنای معامله جبر و شدت یک آدم را مجروح سازند اگر مطابق (فتاوی امانیه) حد و قصاص لازم نشود ، بعد از تاوان شرعی (تعزیر)

۱۸۴ : — هرگاه در یک خانه که کس اقامت نداشته باشد بصورتیکه در دو قاعده فوق بیان شد داخل گردیده دزدی کنند اگر مطابق (فتاوی امانیه) حد لازم نشود ، بعد از تاوان شرعی (تعزیر)

(۱۸۴) : — هرگاه هنگام شب یکچند نفر یکجا شده در راه عام دزدی نمایند اگر مطابق (فتاوی امانیه) حد لازم نیاید علاوه بر تاوان مال مسروق

[تعزیری قتل]

(۱۸۵) : کسانیکه بغیر از همین چند صورت هائیکه در قاعده های فوق بیان گردیده بیک رقم دیگر دزدی کنند ، عموماً اگر بمطابق (فتاوی امانیه حد لازم نشود ، بعد از تاوان مال (تعزیر) .

(۱۸۶) : — هرگاه عراده چپها و کرایه کش ها اشیائی را که حمل و نقل مینمایند خیانت کنند ، بعد از تاوان شرعی (تعزیر) .

(۱۸۷) : — هرکسیکه اسب و سائر حیوانات سواری و باری و عراده و مانند نرگاو و ماده گاو و حیواناتی را بدزدد ، اگر بمطابق (فتاوی امانیه) حد لازم نشود ، بعد از تاوان شرعی (تعزیر) .

(۱۸۸) : — هرکس که آلات و ادوات زراعت و هیزه بیکه برای فروش فراهم و احضار گردیده باشد و چوب تعمیر و مرغهای خانگی و کشتکار درویده و نادروده را بدزدد اگر بمطابق (فتاوی امانیه) حد لازم نشود ، بعد از تاوان (تعزیر) .

(۱۸۹) : — هرکسیکه یک کلید را تقلید کند و یا یک رقم آله که قفل را بکشد بسازد (تعزیر) .

(۱۹۰) : — دزد اینکه بخانه شخصی برای دزدی رفته به بردن مال موفق نشوند و

جرمی هم واقع نگردد اشخاص مسلح و غیر مسلح شان نسبتاً (تعزیر)

(۱۹۱) : — اشخاصیکه بدزدی و تاراج شهرت پیدا کرده باعث اخلال

امنیت و رفاه عامه شوند ، باید که اشخاص درست و روشناس آنها

در محکمه ابتدائیه محلی رفته صورت واقعه را سجل شرعی نمایند حاکم

محلّی موصوف معلوماتیکه در باره آنها داشته باشد نیز تحریر کرده در محکمه شرعیّه محلّی بسپارد ، این معلومات بعد از علم قاضی در حقوق الله مدار حکم شرعی میگردد ، اگر شهرت دزدی و داره و تاراج متواتر یا غیر متواتر و یا محدود باشد نسبتاً (تعزیر) .

(۱۹۰) : — کسانیکه بارتکاب دزدی و داره و غیره جرایم محکوم به نقل مکان بیک موضع معین گردیده خلاف حکم ازان محل بحکومتی منفی و یا دیگر حکومات و علاقه جات افغانستان بروند (تعزیر) .

اگر ثانیاً در محل مذکور منشاء فساد و داره گردند (تعزیر الی قتل)
(۱۹۲) : — شخصیکه در مقابر رفته کفن میت را بکشد (تعزیر) .

(۱۹۴) : — هرکسیکه جبراً از دست شخصی یک حجت نقدی و سند قرض را بگیرد بعد از گرفتن سند و حجت که تحویل صاحبش بنماید (تعزیر) .
و اگر دزد مال مسروقه را قبل از حکم قاضی بصاحب مال تسلیم نمود حد لازم نمیشود (تعزیر) .

ماده (۳۱) نظامنامه هذا شامل این فصل است .

(۱۹۶) : — کسیکه اموال دولت را نقداً یا جنساً سرقت نماید چون حد لازم نمیشود نسبتاً (تعزیر) و مثل آن مال از سارق گرفته تحویل خزینه بیت المال شود ، اگر مامور باشد (طرد از ماموریت) .

(۱۹۷) : — اگر مرتکبین جرمی که در قاعده (۱۹۵) بیان گردیده ملازم دولت نباشند باوجود آنهم بموجب قاعده مزبور مجرم شناخته (تعزیر میشوند)

(۱۹۸) : — کسیکه یک کودک را بیک چیزی راضی و قانع گردانیده بجا از دست وی سند دین یعنی حجت و یا کدام ورقه ابر و تعهد را بگیرد هرگاه بکودک نقصان رسیده باشد ، تاوان آنرا میدهد و علاوه بران (تعزیر)

(۱۹۸) هرگاه کسی بريك كاغذ سفيد مهر دار و يا امضا دار كه باو امانت تسليم گردیده باشد ، امانت داری خود را سوء استعمال نموده بنام صاحب مهر و امضا عبارات تيكه ، متضمن تعهد و يا ابرا بوده ، و يا خود بر آن يك سندی بنويسد كه صاحب امضارا ذاتاً و يمالاً نقصان برساند بعد از تاوان شرعی (تعزير) .

۱۹۹ : — کسیکه بصورت امانت و وكالت سندات ، واو راق اموال ، اشيا و نقود ساژه كه باو تسليم گردیده باشد بصاحبش اعاده نموده پنهان و يا ضايع كند بعد از تاوان (تعزير) .

۲۰۰ : — کسیکه قمار ميزند هر يك از قمار بازان (تعزير) .

۲۰۱ : — کسیکه در خانه و دكانهای خود پنهانی قمار بازانرا آورده از آنها حق نعل ميگيرند (تعزير) .

۲۰۲ : — کسیکه حيوانات سواری و بارگير و اسب عراده و ساثر حيوانات ديگري را قصداً اتلاف نمايد ، بعد از تاوان شرعی (تعزير)

۲۰۳ : — کسی که طرق عموميه و يا چشمه ، و ياپل و يا آبرو های آب و يا انبئه كه ملك خود او نباشد بالا اختيار هدم و تخريب كند بعد از تاوان شرعی (تعزير) .

۲۰۴ : — کسیکه بدون يكدست آويز رسمی و حجت شرعی كه حق او را اثبات نمايد خود سرخلاف حكم شريعت اموال غير منقوله را كه داخل عهده تصرف شخصی ديگري باشد ضبط و مداخله نمايد ، بعد از استرداد چيز ضبط گردیده گي (تعزير) .

۲۰۵ : — کسیکه نهالستان باغ و يانهالهای قيمتدار و ميوه دار را قطع و تلف نمايد و يا بقصد تخريب در آن حيوانات را بكشاید علاوه بر تاوان

شرعی (تعزیر) .

۲۰۷ : — طیبیان و جراحان و عطاران نیکه بنا بر سوء قصد به بیمار دواى مهلك داده موجب و فات مريض گردند (تعزیر)

۲۰۸ : — هرگاه اینچنین يك دواى مهلك بنا بر سوء قصد داده شده باشد هر چند که موجب موت و هلاک مريض نگردیده باعث شدت بیماری و مرض شود طیب و یاعطار و جراح برای اینکه آینده در هیچ جا اجرای صنعت نتوانند شهادتنامه شان ضبط گردیده (تعزیر)

۲۰۸ : — طیبیان و یاجراحان و عطا رانیکه جاهل باشند ، سهواً بمريض دواى مهلك داده ، و یا بهر حال در فریضه مأموریت خودها غفلت و اهما ل نموده این سهو و اهما ل شان سبب موت مريض گردد برای اینکه آینده در هیچ جا اجرای صنعت نتوانند شهادتنامه شان ضبط و (تعزیر) .

۲۰۹ : — اگر ازین اهما ل مريض وفات نیافته بلکه موجب شدت بیماریش گردد (تعزیر) .

۲۱۰ : — دا کترها و اطبای یونانی که از مدیریت مستقله طیبیه اجازتنامه معالجه نداشته در شهر کابل بمداوای اهما لی پردازند ، اگر از معالجه شان هیچ آسیبی هم به بیمار نرسد چون از اداره طیبیه اعلان شده که هیچ طیب بدون شهادتنامه مدیریت طیبیه علاج نکنند بنا بر همین مخالفت (تعزیر)

۲۱۱ : — در صورت عدم حصول مصارف محکمه ، از صاحب سجل در مرکز ها به موجب تحقیقات کوتوالیها ، و در حکومتیها به موجب تحقیقات حکام محلی که لا جایدادی صاحب سجل را اثبات نماید از محکمه مجاناً بلا بدل فیصله داده میشود .

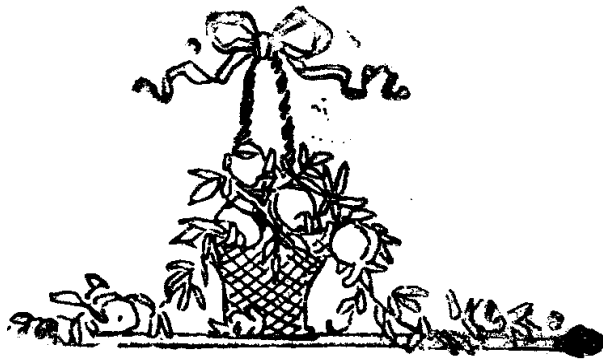
۲۱۲ : — کسانیکه باتهام جرائم توقیف شوند و در محاکم عدلیه اصل فعل برای

- شان ثابت شود ایام مدء حبس شان از ابتدای توقیف محسوب است .
- (۲۱۳) : — شخصیکه ایام حبس را تکمیل نماید ، و یا بواسطه آنها می توقیف شده باشد چن رهائی خامن گرفته نمیشود .
- (۲۱۴) : — کسانیکه عیال منکوحه کسی را که شوهرش مسافر باشد برای دیگری بفریب عقد نکاح نماید (تعزیر) . وزن بشوهر اصلیش واپس داده شود .
- (۲۱۵) : — در کندن یا تراشیدن بقدر ربع و اضافه از آن موی سر و ریش مرد را اجباراً (تعزیر) . و اگر موی سر زن را بقدر ربع و اضافه از آن جبراً کند و یا تراشید نسبتاً (تعزیر) . در کندن و تراشیدن موی مرد وزن در صورت اجبار که مادون از ربع باشد نیز (تعزیر)
- (۲۱۶) : — شخصیکه پدر و یا مادرش از ایذاء و یا اطوار نا پسند او به محاکم شاکی شود (تعزیر) .
- (۲۱۷) : — زنیکه بدون عذر شرعی و بلا اذن شوهرش در خانه مردمان اجانب برود (تعزیر) .
- (۲۱۸) : — برای شخصیکه باستنای قتل که بعدالنفو در نظامنامه جزای عمومی حکم تعزیر شده مرتکب یک جرمی گردد اگر از طرف مدعی عفو صادر شود ، و آن جرم باقرار خود مجرم ثابت باشد تعزیر ساقط نمیگردد بهر حال تعزیریکه به تخصیص همان جرم در نظامنامه جزای عمومی ذکر شده در باره او اجرا میشود .
- (۲۱۹) : — آکل الر باینفی سود خورنده را (تعزیر) . و سود دهنده اگر مجبور نباشد نیز (تعزیر)

■ ■ ■ : — اگر يك شخص مكلف عاقل بالغ را در يك جرم نامشروع مباشر به بينند فاعل آن فعل را به نصايح مفيده منع كنند و اگر منع نشود بقاضی و حاكم محلی اخبار كنند .

■ ■ ■ : — اشخاصيكه خود را به مردم به صفت مخبر دولت معرفی ميكنند و با اين صفت خود را شهرت ميدهند و باين وسيله باعث تخويف اهالی ميشوند (تمزير) .

■ ■ ■ : — كسانيكه برای ساختن زيورات مسكوكات دولت را آب می نمايند (تمزير)



فصل دوم

(۲۲۳) : — بیک سرباز از اسرار سیاسی و عسکری دولت بحسب مابوریت خود واقف گردیده در حال عدم ماذونیت آنرا به دشمن افشا نمودن (تعزیر)

(۲۲۴) : — قاضی ما و جمله مامورینیکه وظایف و خدمات رسمیه را در عهده

گرفته اند و اعضای منتخبه منصوبه و جمیع مجالس رسمیه و کسانیکه

از احاد ناس مانند حکم و اهل خبره بوده بایک وظیفه رسمیه مکلف

هستند و وکیل های دعوی برای نکردن چیزیکه شرعاً بکردن آن

مجبورند ، و یا برای کردن چیزیکه شرعاً به آن مجبور نیستند پول و یا

اشیائیکه بنام هدیه بگیرند و یا سایر منافیکه باینصورت برای خود تا مین

مینمایند و فرق فاحش که در بین قیمت حقیقه و ثمن مسای اموال

و املاکیکه برای همین مقصد خواه کم و یا زیاده بیع و شرا شوند گرفته

میشود رشوت است .

(۲۲۵) : — يك ماموریکه بفرض باطل گردانیدن يك حق رشوت بگیرد

رشوتیکه گرفته است از نزدش به راشی استرداد میگردد در صورت

عدم حضور راشی بخزینه دولت نادیه میشود و مرتهنی (تعزیر) .

(۲۲۶) : — هر گاه رشوت تنها برای وعد کردن و یا دادن کدام کاری گرفته

شده بطلان حق عمل نیامده باشد ، رشوت از نزدش استرداد گردیده

علاوتاً (تعزیر) .

(۲۲۷) : — راشی یعنی رشوت دهنده هر دو صورت نسبتاً (تعزیر) .

- (۲۲۸) :- هرگاه يك آدم برای محافظه جان و مال و عرض خود و احوال برای حفظ يك منفعت مشروعه خود برشوت دادن مجبور گردد رشوتیکه داده است واپس بخردش اگاه میشود و تنها مرتشی جزا می بیند .
- (۲۲۹) :- مامورینیکه اموال دولت را نقداً و یا جنساً به جعل کاری خیانت کنند شخص مذکور را (تعزیر داده شود و مال خیانت کرده کی از نزدش استرداد گردیده طرد از ماموریت) .
- (۲۳۰) :- مامورینیکه در وقت بیع و شراه اشیاء بحساب دولت در معاملات خرید و فروش آن دست بازی نموده خود ازان مستفید گردد (تعزیر)
- (۲۳۱) :- هرگاه یکی از مامورین دولت حق يك آدم را که از دولت میگیرد تماماً نداده يك قسم آنرا خودش بگیرد (مثل پيسه گرفته از وی استرداد گردیده به ذبحق تسلیم شود علاوه تعزیر) . هرگاه بواسطه شخص دیگر مرتکب این جرم گردد (خود مامور با مرتکب جرم تعزیر)
- (۲۳۲) :- هر یکی از مامورین دولت اجرت عمله را که برای کس دولت استخدام نموده است کم بدهد و یا هیچ نداده خودش بگیرد پيسه که گرفته است از خودش گرفته عوض اجورده عمله بآنها داده میشود علاوه (تعزیر) .
- (۲۳۳) :- هرگاه یکی از مامورین دولت در مزائد واردات بیت المال نقصان برساند اگر خودش بکيسه خود بریزد از خودش استرداد میگیرد و الا دیگری گذاشته باشد از آن شخص تحصیل و تحویل خزینه بیت المال گردیده همه حال مامور مذکور (تعزیر) گردیده از ماموریت طرد میشود .
- (۲۳۴) :- هر گاه یکی از مامورین دولت برای تمتع و استفاده خود سرراً و یا علناً با لذات و یا عی طریق لمیثار که در خریداری بعضی اسبابها نیکه بوزارت

و یا اداره او لازم بوده از طرف دولت در آن خصوص امر داده شده باشد و یا در خرید بعضی اشیائی که بحساب دولت خریده میشوند ، و یا در فروش چیزهائی که از طرف دولت برای او سپرده میشود مشارکت ورزیده بود (از ماموریت طرد و تعزیر)

(۲۳۵) :- اگر در خرید و فروخت این اموال اجرت و ساطت بآید (از ماموریت طرد)

(۲۳۶) :- مامورینی که برای خود و یا برای دیگران یسه سر کاری را برداشت می نمایند (از ماموریت طرد و تعزیر)

(۲۳۷) :- مداخله کردن مامور بصورت جبر و تحکم در حق مدعی یا مدعی علیه بنا بر يك غرض و حمایه در حضور محاکم شرعیه عدلیه و اداره طرد)
(۲۳۸) :- اگر در نتیجه جبر و تحکم از محکمه بناحق يك حکم صادر گردد (مامور مداخله کننده و حکم کننده تعزیر)

(۲۳۹) :- قاضی های محکمه ها و اعضای مجلس های مشوره علاوه بر امضا نکردن بر مداخله که جبراً بوقوع آمده است ، میباید که احوال آن را نیز بدولت اطلاع و اخبار نمایند والا اگر در یکی ازین دو امر فرو گذاشت نموده بودند (عزل از ماموریت)

(۲۴۰) :- رئیس های مجلس و یا قاضی های محکمه ها که معامله را از روی جبر و التماس مخالف شرع اجرا کرده باشند ، رؤسا و اعضای آن نسبتاً (تعزیر و طرد از ماموریت)

(۲۴۱) :- اگر يك مامور برای اجرا نگردیدن یکی از اوامر نظامات دولت و یا برای تحصیل نشدن اموال دولت صرف نفوذ بنماید (تعزیر)

۲۱۱) — هرگاه کدام وزیر و یا نایب الحکومه و یا حاکم اعلی یا حاکم و علاقه دار و مستوفی و سررشته دار و قاضی و مامور مالیه و مدیران تجارت و زراعت و گمرک در داخل منطقه ماموریت خود تجارت خرید و فروخت ارزاق را در دست خود گرفته بالذات اجرا نماید چنین اشخاص ؛ تجارت خواه علنی باشد یا سری (از ماموریت طرد میشود و فقط در جائیکه هست اگر از خود املاک و اراضی داشته باشد تجارت محصوراً زمین های خودش ازین قاعده مستثنی است)

۲۱۲) — هرگاه ماموریکه بلا عذر معقول فرمانها و امر نامه هائیکه دولت نشر نموده باشد نشر ننماید (طرد از ماموریت)

۲۱۳) — هرگاه يك مامور بلا سبب مقبول در ایفای وظیفه خود غفلت و اهمال ورزد و یا امری را ~~که~~ از طرف آمرش موافق به احکام شرعی و سیاسیه داده شده باشد اجرا ننماید اگر ازین عدم اجرا برای دولت يك ضرر برسد نظر بدرجه ضرر بعد از استرداد تاوان شرعی (تعزیر) . و هرگاه ازان به سیاست دولت يك ضرر برسد نیز (تعزیر) . و اگر ازان برای یکی از رعایا يك ضرر مالی رحید علاوه بر (تعزیر) تاوان همان ضرر ازوی نیز گرفته می شود .

۲۱۴) — مامورین مانحت هرگاه علاوه بر اختیارات خود بوظائف آمران شان جرأت ورزند و ازین خلاف ورزی آنها چیزی ضرر نرسد (تعزیر) و اگر برای دولت يك ضرری برسد نظر بدرجه ضرر بعد از تاوان (تعزیر) .

و اگر سیاست دولت ضرر برسد نظر بمراتب ضرر نسبتاً (تعزیر) .
و اگر ازان برای یکی از رعایا ضرر برسد علاوه بر تاوان مال نظر بمراتب

جرم نسبتاً (تعزیر) .

(۲۴۶) :- هر گاه یکی از مامورین برای اعتراف کنائیدن جرم بر یک شخص مظنون

و یا متهم بذیت و اشکنجه او امر نماید و یا خود بالذات اجرا نماید (از

ماموریت برای همیشه طرد و استرداد رتبه و نشان و تعزیر) .

اگر آدم اشکنجه شده از صدمه اشکنجه و فانیاید کسیکه اشکنجه او را

امر داده است جزای قاتل را که دیت بر ماقله اوست می بیند بشرطیکه

مامور مجبور ثابت شود و آگیر مجبور نباشد (دیت بمافله اشکنجه کننده

که مامور است میشود) .

(۲۴۷) :- هر گاه یکی از مامورین در حق يك محبوس از طرز مجازاتیکه شرعی و

سیاسی تعیین نموده است بالاتر و سنگین تر آنرا اجرا نماید و یا اجرای آنرا

بدیگری بفرماید (تعزیر) .

(۲۴۸) :- هر گاه يك مامور مخالف طرزیکه آنرا شریعت نشاء داده است بخانه

یکی از رعایا بدون اذن صاحب خانه داخل شود (تعزیر) . اگر هم

در خانه داخل شود و هم بخواهش خود به اجرای جستجو و تفتیش

قیام و اقدام نماید نسبتاً (تعزیر) .

(۲۴۹) :- هر گاه یکی از مامورین مال و ملک یکی از رعایا را جبراً اشترای یا به ادعای

بیمعی ضبط کند و یا بفروشد ، مال و ملکیکه گرفته شده دو بار

بصاحبش عیناً در صورت وجود مال و یا بدلا در صورت اتلاف اعاد

میشود ، خود مامور (طرد و تعزیر) .

(۲۵۰) :- اگر یکی از مامورین دولت از رعایا زیاده از محاصل دولت يك چیز

اضافه ستانی نموده آنرا در کیسه خود بریزد (علاوه بر استرداد مقدار

گرفته است تعزیر) .

۲۵۱) — اموالیکه در یکی از کمرکها محصول شده و از آنجا بجای دیگر نقل شود

و مدیر کمرک دیگر جای دوباره محصول بگیرد همان مدیر کمرک (تعزیر) .

۲۵۲) — هرگاه مامورین کمرک مال تجارتی را ملاحظه و محصول نکرده سند

داده بود و ثابت گردید همان مأمور کمرک و تاجر [تعزیر] .

۲۵۳) — هرگاه یک مامور و یا یک رئیس و سرکرده اهالی غیر از خدمتشانیکه

بوجب کدام نظامنامه و یا فرمان پادشاهی شرعاً امر شده باشد رعایا را

بیگار گرفته از آنها کار بگیرد حق اجرت عملاً بیگار از وی گرفته بعمله

داده میشود و [تعزیر] .

۲۵۴) — هرگاه از مامورین دولت و یا آدمهای شان و یا منصبداران و سپاهیان

نظامی و کوتوالی در خانه رعایا و اهالی فروکش گردیده بی رضا و جبراً

طعام بخورند و یا برای اسب ها جو و گاه و غیره بگیرند [قیمت

اشیائیکه گرفته و خورده اند استرداد گردیده بصاحبانش داده میشود

علاوفاً تعزیر] .

اگر اردوی نظامی در انشای کوچ از یکجا بدیگر جاسرتکب اینچنین

حرکت گردد . قیمت چیزهاییکه گرفته شده باشد بقسم تلوان از منصبدار

فوج که با ایشان درین جرم شریک بوده گرفته میشود و خود منصبدار

در دیوان حرب در تحت محاکمه می آید و سپاهیان نیز اگر بی اجازه

منصبدار مرتکب گردیده باشند قرار فوق محکوم به [تعزیر] میشوند .

۲۵۵) — کسانیکه یکی از مامورین و یا از سپاهیان و منصبداران نظامی و کوتوالی

و رئیس و در انشای اینای وظیفه و یا بخاطر وظیفه شان که ایفای می نمایند

ضرب و جرح و یا اینکه جبر و تشدید نمایند و یا سلاح بکشند علاوه بر

جزای مستلزم ضرب و جرح [تعزیر] .

(۲۵۶) :- هر گاه از پیش سپاهی یا منصفدار نظامی و پولیس ~~که~~ بر محافظه
یک محبوس مامور باشند بسبب غفلت و بی پروائی محبوس بگریزد نظر
بدجات اہمال و غفلت شان نسبتاً (تعزیر) .

و اگر محبوس مذکور را قصداً بگریزانند ، هر گاه محبوس بقتل محکوم
شده باشد (تعزیر) .

و هر گاه محبوس هنوز محکوم علیه نگردیده باشد و در باره او حکم محکمه
صادر نشده باشد و قصداً او را بگریزانند نسبتاً (تعزیر) .

(۲۵۷) :- از طرف مامورین دولت مهریکه برای حفظ بعضی اشیاء و یا اوراق
و یا کدام محل وضع شده باشد هر گاه آن مهر از سبب غفلت و سهل
انگاری کسیکه بمحافظه آن مامور است شکسته شود ماموریکه غفلت
نموده است (تعزیر) .

اگر مهر را خود همان ماموریکه بمحافظه آن کاشته شده باشد بدون
مادونیت بشکنند (تعزیر) .

علاوه بر شکسته شدن مهر هر گاه بعضی اشیا و اوراق هم دزدی شده
باشد ~~اصکر~~ مطابق (فتاوی امانیہ) بالای سارق حد لازم نشود
(تعزیر)

(۲۵۸) :- مامورینیکه اوراق رسمیه دولت را سرقت یا محو و اتلاف نماید (تعزیر)

(۲۵۹) :- هر گاه مامور پوسته خطوط رسمی و خصوصی که به پوسته خانه او
سپرده میشوند آنرا بکشاید و یا در کشادن آن مساعدہ نماید (تعزیر)

(۲۶۰) :- هر گاه یکی از مامورین خواه در میان سطر های اعلام و فیصله آرا

و سندات و سائر سجلات دفاتر که در آشنای ایفای وظیفه خود بنویسند
یا بتغیر خط و خاتم و امضا و یا در صورت نوشتن اسم یک شخص بموض

شخص دیگر تخریفات نموده اینگونه ساخته کاری نمایند (تغزیر) .
(۲۶۱) :- هرگاه يك مامور در اثنای ایفای وظیفه خود در وقت نوشتن اوراق
رسمیه که تنظیم میکند يك چیز را که يك آدم نگفته است بقسم گفته کی
او و چیز را که گفته باشد بر عکس آن نوشته بدینصورت ساخته کاری
نماید (تغزیر)

(۲۶۲) :- رئیس های مجلس و قاضی های محکمه که اوراق ساخته گی و قاعده
های فوق الذکر را دانسته در موقع اجرا بگذارند (تغزیر)

(۲۶۳) :- اگر يك مامور مرتکب جرمهاییکه در فصل اول باب اول تصریح شده
کردد و راجع بماموریت او ملاحظه شود اگر چه داخل
فصل دوم باب اول نیامده باشد محاکم شورای دولت و مجالس مشوره
مجرم را عیناً بر طبق معاملاتیکه داخل فصل اول باب اول ذکر شده
محکوم به (تغزیر) کرده میتوانند .



باب دوم

فصل اول

﴿ الف ﴾

(۲۶۴) :- کسیکه نشانی را که از طرف حکومت برای او داده نشده باشد بپاویزد یا البسه رسمیّه بالاتر از رتبه خود را بپوشد یا در حالیکه هیچ رتبه نداشته باشد لباس رسمی در بر کند چونکه استعمال آن بدون اشخاص مجاز شده کی برای دیگری اجازه نیست (تعزیر)

(۲۶۵) :- کسیکه با داره های گمرک بیان نامه ها و بیجک های ساخته کی و محرف و خلاف حقیقت را ابراز نمایند (تعزیر)

(۲۶۶) :- اگر شخصی شخصی را ضرب و جرح نماید و جرح و ضرب مذکور سبب از کار پس ماندن او نگردد به مطابق احکام (فتاوی امانیه) دیت و یا قصاص لازم نشود ، بعد از ازش و تاوان جرح (تعزیر)

(۲۶۷) :- کسیکه محض بغرض تهدید و تخویف سلاح بکشد (تعزیر)

(۲۶۸) :- کسیکه متهم بفقور باشد اگر یت امر در ا به اکراه بگیریزاند و یا بخدمه و فریب ببرد (تعزیر)

اگر يك شخص مستور الحال با کراه و یا بصورت خدمه بگیریزاند همه حل نسبتاً (تعزیر)

امر در صورت رضا به مجازاتی که بگیریزاننده محکوم شده محکوم میشود ، و اگر يك طفل را بگیریزاند که مظنه بد فعلی نباشد خاص

گیریزاننده (تعزیر)

- (۲۶۹) : — هر گاه بدون ذم و قدح یکی بر خلاف دیگری بیک اشاره مخصوصه
اجرای حقارت نماید . حقارت کننده (تعزیر)
- (۲۷۰) : — کسیکه آلات و ادوات زراعت و صناعت مشروعه دیگری را بشکنند و یا
خراب بکنند بعد از تاوان شرعی (تعزیر)
- (۲۷۱) : — کسیکه نهالستانها و کشت زارها را که هنوز به کمال نرسیده بزند
قطع و تلف نماید و یا به مقصد تخریب در آن حیوانات را بکشد
بعد از تاوان شرعی (تعزیر)

فصل اول

(ب)

(۲۷۲) :- کسانی که مبداء اشاعه و نشر خبر های خلاف واقع متعلق سیاست داخلی مملکت شوند (تغزیر)

(۲۷۳) :- اشخاصی که چیزی را حکومت اعلان نکرده باشد بحکومت نسبت داده در بن اهالی نشر و شایع کنند (تغزیر)

(۲۷۴) :- کسانی که عنداللزوم بوزارت ها و دوائر دولت جلب میشوند ، اگر قریه

دار و یا رئیس محلی و دیگر مأمور تصدیق حاضر نبودن و بیماری شخص جلب شده را می نمایند و کذب ظاهر شود مصدق کاذب (تغزیر)

(۲۷۵) :- اطبا و جراحان و عطاران و قابله ها اگر امرار شخصیه را که به اقتضای صنعت شان بآنها سپرده میشوند ، در غیر احوالیکه قانوناً به اخبار آن مجبور اند افشا نمایند (تغزیر)

(۲۷۶) :- اشخاص متخاصمین که به محاکم عدلیه یا اداره های دولت در انشای

محاکمه و تحقیقات باهم مشا تمه کنند از محاکم عدلیه بموجب امر قضاة در کوتوالی محلی و دیگر دوائر دولت از طرف آمر همان اداره که اختیار اجرای تغزیر را داشته باشد درباره اشخاص شاتمین (تغزیر) اجرا میشود

(۲۷۷) :- سرقت اموال که نصاب شرعی را ک مراد از هفت قران است پوره نکند (تغزیر) .

(۲۷۸) :- کرایه کش ها و کسانی که بجدیعت اخذ بیعانه میکنند و از عهده انجام عمل برآمده نمیتوانند بعد از استرداد وجه بیعانه (تغزیر) .

- (۲۷۹) :- کسیکه خندق و جرهائیکه بر دو را دور اراضی يك شخص دیگر کنده شده باشد پرو خاکریز نماید و یا احاطه هائیکه از تپه ها و خار و خس بر اطراف کشتزار کشیده شده ویران کند بمد از ناوان (تعزیر)
- (۲۸۰) :- در راهها و سرکها خاکروبه ها و گندگیها و سائر چیز هائیکه موجب بدبوئی و تعفن باشند انداختن و به بی پروائی بالای کسی خاک جاروب و چرکاب ریختن و در سرکها حسب اللزوم بعضی چوقوریاها ~~کنده~~ شبانه بر بالای آن فانوس نگذاشتن (تعزیر) .
- (۲۸۱) :- در داخل شهر و دهات در جاهائیکه احتمال ضرر باشد بطاقی انداختن ممنوع است فاعل آن (تعزیر) .
- (۲۸۲) :- در داخل شهرها بلا لزوم تفنگ زدن ممنوع است فاعل آن (تعزیر)
مراد از تفنگ زدن در شهر فقط همان مناطق شهر ازان مطلوب است که از طرف قوماندانهای کوتوالی محلی محدود کرده میشود .
- (۲۸۳) :- در جائیکه مردمان جمع باشند بسببیکه تو هم ضرر باهالی دارد اسپ دوآیدن ممنوع است فاعل آن (تعزیر)
- (۲۸۴) :- کسیکه از گرفتن سکه دولت بقیمت معینش انکار و استکاف ورزد (تعزیر)
- (۲۸۵) :- قصداً بخانه و یا حویلی يك شخص دیگر خاک و سنگ و ناپاکی انداختن و یا بجائیکه داخل شدن در آن ممنوع است در آمدن و از جائیکه گذشتن ازان ممنوع است گذشتن (تعزیر)
- (۲۸۶) :- بدرجه که باعث برهم زدن راحت اهالی گردد بلا موجب غال مقال و شمانه کردن (تعزیر)
- (۲۸۷) :- اعلانیکه باسر حکومت چیدانیده و آویخته شده باشد ~~کنندن~~ و پاره کردن (تعزیر)

(۲۸۸) :- کسانی که کمتر از نرخ معین مروج اشیا خورا که و غیره را بفروشند
(تعزیر) .

(۲۸۹) :- کسی که جاهائی را برای منافع عمومی از قسم طرق عامه و میدانها
ترك و تخصیص شده باشد خراب و ویران سازد و یا از طول و عرض
آن مقداری برای خود بدزدد جائی را که خراب کرده است بخودش تعمیر میشود
و جائی را که دزدیده است از وی اخذ و استرداد گردیده بعد
(تعزیر) .

(۲۹۰) :- کسانی که دیوارهای مساجد و جوامع و مقبره ها و سرکها و دیوارهای
عمارت های سرکاری و ابدیه خصوصی را به ذغال و سیاهی و غیره چرك
و خط میکند و یادبرخت هائی را که از طرف حکومت در سرکها نشانده
شده و یا گلزار هائی را که بر اطراف سرکها طرح شده اند خراب
کنند و گلهای آنها جدا سازند (تعزیر) .

(۲۹۱) :- کسانی که هنگام شب چراغهای موترهای و کادی و بایسکل را خاموش
گذاشته باشند (تعزیر) .

(۲۹۲) :- در انشای مرور و عبور غیر پیاده بر سرکها بدست چپ خود نرفته
بدست راست بروند (تعزیر) .

(۲۹۳) :- گفتن الفاظ رکیک و لغو و طعن و استهزاء غیر قذف (تعزیر) .

(۲۹۴) :- جنک دادن طیور و حیوانات (تعزیر) .

(۲۹۵) :- در داخل شهر کبوتر پرانی و کاغذ پرانی و بدون عذر بالای بام
برآمدن که ازان همسایه متضرر شود (تعزیر) .

(۲۹۶) :- جنگهای خفیف و گفتگوهای بازاری که روز مره واقع میشود در
صورتیکه یکی از جانبین بدائرة پولیس عرض کند (تعزیر) .

- (۲۹۷) :- آویختن مرغ زنده از پا برای فروختن در بازار (تعزیر) .
- (۲۹۸) :- اسپ را در بازار ایستاده کرده ، و خود جلو آنرا گرفته بردگانی نشستن چون توهم ضرر غیر دارد ممنوع است ، بنا بران فاعل آن (تعزیر)
- (۲۹۹) :- بر حیوان یا بريك عراده از مقدار اضافه از طاقش بار کردن ممنوع است (تعزیر) .
- (۳۰۰) :- استنجا بدست بر سرکها لا ابا لیانه گشتن (تعزیر) .
- (۳۰۱) :- کسانی که مانند مساجد و تربت و مانند آنار شریفه یا انبه و عماراتی را که از تزئینات بلذیه میباشد خراب ورخته دار نمایند ، و یاد رختها و نهال هائیکه در راه ها و سرکها و کوچه ها و یا صحن های مساجد باشند ببرند ، بعد از ادای تاوان شرعی مقدار ضرر (تعزیر) .
- (۳۰۲) :- چلم بردار بازار و قصه خوان و اسپندی و رمال و فالین مسلمان و اهل هنود و سادو هائیکه بدر وازه های اهالی میگردند موقوف اند اگر بعد ازین کسی مرتکب این فعل فوق گردید (تعزیر) .



فصل دوم

- (۳۰۳) : — اگر هنوز رشوت داده و گرفته نشده باشد و تنها در بارهٔ اخذ و اعطای آن يك گفتگو و یا مقاولهٔ تحریری بعمل آمده و ثابت شود ،
را شی و مر تشی (تعزیر) .
- (۳۰۴) : — هر گاه يك مامور در صورتیکه برایش رشوت تکلیف شود و او آنرا قبول ننماید و متعاقباً بدولت خبر بدهد ، خودش علناً از طرف اشرف پادشاهی بایک نحسین نامهٔ تلطیف گردیده و را شی (تعزیر)
میشود .
- (۳۰۵) : — کسیکه بر رشوت دادن مجبور شود ، و رشوت را بمر تشی داده باید در ظرف یک هفته بدولت خبر بدهد ، هر گاه بدلائل مقمه رشوت را اثبات نمود شخص مذکور از جزا معاف میشود .
- (۳۰۶) کسیکه مامورین دولت را در اثنای ایفای وظیفهٔ شان و یا در يك امریکه متعلق خدمت شان باشد ، از کدام سببی برای شکستاندن قدر و ناموس شان تحقیر کند و یا در حق شان حدت لسان بطریق فحش نماید و یا خود نخویف نماید (تعزیر) .
- اگر این معامله در اثنائیکه يك محکمه و بایک مجلس مشوره بکار مشغول باشد واقع گردد نسبتاً (تعزیر)
- (۳۰۷) : — کسانیکه سپاهیان و منصبداران نظامی و کوتوالی و پولیس را در اثنای وظیفهٔ شان حقارت کنند (تعزیر) .
- (۳۰۸) : — سندات و اوراق رسمیه اگر از غفلت و سهل انگاری مأمورینیکه محافظهٔ آن مکلف اند محو و اتلاف گردد غفلت کننده (تعزیر) .

- (۳۰۹) :- مامورینیکه در مقابل آمرهای خود بی تحرقتی و سرکشی نمایند (تعزیر)
 اگر سرکشی در مقابل يك تنبیهی که متعلق به ایفای وظیفه او بوده
 بعمل آید علاوه و تاناً (از ماموریت عزل) .
- (۳۱۰) :- مامورینیکه در حین ایفای امریکه آمرهای شان داده باشد سستی
 و سهل انگاری نشان بدهند الی سه مرتبه (تعزیر) .
 و به نوبت چهارم علاوه بران (عزل) .
- (۳۱۱) :- آمران مافوق هرگاه بوظیفه مامورین ماتحت خود در چنان مسائلیکه
 قانوناً در داخل دائره صلاحیت مامورین ماتحت تعین گردیده باشد
 بصورت سلب اختیارات مامورین مذکور مداخله نمایند (تعزیر)
- (۳۱۲) :- مامورینیکه در خارج وظیفه از روی حیثیت ماموریت خود حرکتیهای
 نامناسب بنمایند ، در نوبت اول و دوم و سوم (تعزیر) .
 در مرتبه چهارم (عزل از ماموریت) .
- (۳۱۳) :- نایب الحکومه الی علاقہ دار و مستوفی تامامورین مالیه و قوماندان های
 عسکری در منطقه ماموریت خود ها تازمانی که باین حیثیات در مقامات
 ماموره موظف اند از اراضی و اموال و اشیای سرکاری اگر بنام خود
 و یا اشخاصی که طبعاً در مایملک برو اشتراك دارند خریداری نمایند
 از ملازمت طرد و اشیای مایبه استرداد و قیمت آن رد می شود .
- (۳۱۴) :- مامورینیکه بترتیب اوراق سوانح عمر خود مکلفیت دارند به ادخال پسران
 قابل التعلیم خود شان که سنین آنها از هفت سال کم و از دوازده سال
 اضافه نباشد در مکاتب محلی مکلف اند .
 در صورتیکه نسبت به تمهیل قاعده هدا مساهلت و تکامل و رزند ، در

- مرتبه اولی و دوم (تغزیر)
- و در دفعه سوم از ماموریت (طرده) کرده میشود .

خاتمه

(۳۱۵) ب— اگر کدام واقعه در دوائر حکومت وارد گردیده که حکم آن در نظامنامه هذانبود از روی کتب فقه شریف مطابق مذهب خنقی رح فیصله کرده صورت آن بشورای دولت ارسال شود ؛ که تا بعد از تصویب و منظوری حضور شاهانه داخل نظامنامه هذا گردد .

(۳۱۶) :— در اجرا و تطبیق مواد این نظامنامه وزارت داخلیه و وزارت عدلیه و شورای دولت مامور و مکلف اند .

(۳۱۷) :— همچنین در اجرای موادیکه بحزای اداری تعلق دارد مامورینیکه بنظامنامه تشکیلات اساسیه در حل و فصل آن موظف اند نیز مکلف میباشند .

امضای علمای منتخبه مجلس لویه جرگه

مواد نظامنامه هذا موافق احکام شرع شریف و مطابق مذهب مذهب خنقی رح و
سنی بروایات قویة مفتی بها است
المصحح مولوی محمد ابراهیم
مولوی عبد الحی پنجشیری رئیس تمیز
کاموی مشرق
بنده الله ابوالفتح فضل ربی پکملوی
مولوی گل دست عفی عنه
افقر عبد الخلق الصدیقی .

ادخال و اجرای این نظامنامه را در نظامات دولت امر و اراده فرمودیم و
نظامنامه مطبوعه طبع سنه ۱۳۰۰ جزای هموی متروک و منسوخ است .

ضمیمه نظامنامه جزای عمومی

(ماده اول) تبدیل ماده (۱۷۳) :

اشخاصیکه بدزدی و تاراج شهرت پیدا کرده باعث اخلال امنیت و رفاه عامه شوند باید که اشخاص درست و روشناس آنجا در محکمه ابتدائیه محلی رفته صورت واقعه را سجل شرعی نمایند حاکم محلی موصوف معلوماتیکه در باره آنها داشته باشد نیز تحریر کرده در محکمه شرعیه محلی بسپارد و این معلومات بعد از علم قاضی در تعزیرات حقوق الله مدار حکم شرعی میگردد علاوه بر این نایب الحکومه ها و حکام اعلی و کلان وقتاً فوقتاً عنداللزوم در منطقه های حکومت متعلقه خود یکنفر ما. بور رسمی را که اهل باشد بصف قضا منفرداً و یا دو نفر دیگر را بحیثیت اعضا باین یکنفر موقتاً مقرر کرده میتواند که در آن منطقه رفته نفری مفسدین مذکور را سجل نموده در صورت اول از طرف قاضی محلی و در صورت دوم از طرف قاضی موقتی در مجلس تعیین جزای محلی سپرده میشود تا حسب مراتب ذیل تعیین جزا کنند :-

الف : اگر شهرت دزدی و تاراج و متواتر باشد .

ب : اگر غیر متواتر باشد .

ج : اگر محدود باشد .

در هر سه صورت فوق بتناسب درجات تعیین جزا می کنند .

(۲) هر گاه در محیط یک علاقه داری یا حکمتهتی یک شخص یا اشخاص به

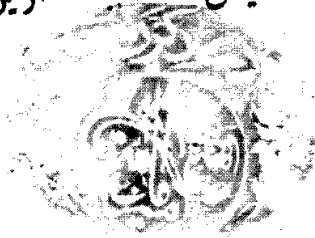
تکرار مرتکب دزدی یا تاراج یا قطع الطریق شده بودند و یا مفسد

و مشهور بالفساد موجود بود . علاقه داران یا حکام محلی در بدست

آوردن و دستگیر نمودن این چنین اشخاص تشبثات لازمه قانونی را بعمل
 نیاورده بودند و حکام مافوق یا حکام اعلی و نایب الحکومه های مربوطه
 شان آن اشخاص را دستگیر نمایند و یا حکام و حاکم اعلی و نایب الحکومه
 های دیگر ولایات واقف شده معرفی شان را بکنند و یا همچنان بذرایع
 دیگر بحکومت مرکزی معلوم شوند چون علاقه داران و حکام محلی
 بمراقبت این مسئله در حال وظیفه خود غفلت و یا چشم پوشی نموده اند
 بناءً علیه بواسطه غفلت شان از ماموریت طرد می شوند .

(٣) مامورینکه مجزای حبس تعزیری حقوق الله محکوم میشوند هر گاه مطابق
 ماده (٧) نظام نامه اسامی از جزا معاف شوند هزل آنها نیز تابع
 بعفو جزا بوده بماموریت حکومت قبول شده می توانند هر گاه در احکام
 تنها عفو حبس تخصیص شده باشد ازین قاعده مستثنی است .

مورخه اول جوزا ١٣٠٦



از روی این (غلطنامه) آن اغلاطیکه درین نظامنامه جزای عمومی در مطبوعه واقع شده تصحیح کرده شود

ردیف	چنین طبع شده	چنین خوانده شود	ردیف	چنین طبع شده	چنین خوانده شود
۴	مجلس مشاوره	۱۷	۱۱	۲۲	به جزای فعل خودها
۵	یککل	۱	۱۲	۱۴	نمی تواند
۶	مجلس مشوره	۵	۱۳	۵	بمحکم قاضی
۷	وزاره عدلیه	۱۲	۱۴	۱۲	تحریری باشد یا شفاهی
۸	معاش شان	۱۲	۵	۱۴	شده محضور قاضی
۹	جز بصورت ساتراجه	۱۷	۶	۱۴	نشکند
۱۰	باقی مانده	۵	۷	۱۷	اما تفریرانی
۱۱	کرد	۱۳	۸	۹	حصه باقی ورثه
۱۲	ماخوذ هست	۱۴	۹	۵	بدل می گردد
۱۳	اگر مجرمه	۱۵	۱۰	۱	یا بالفساد
۱۴	زن بود	۵	۱۱	۵	دوجراغ موتر و
۱۵	شان	۵	۱۲	۵	و یا یکی
۱۶	شان	۱۶	۱۳	۵	تخریب
۱۷	نبوه	۱۵	۱۴	۸	در جدا ساختن
۱۸	بصرف نفوذ	۷	۱۵	۱۷	و اگر
۱۹	فرعاً ذی مدخل	۱۷	۱۶	۵	مجرور کرد
۲۰	مدخل	۱۷	۱۷	۲۱	

از روی این (غلطنامه) آن اغلاطی که درین نظامنامه جزای عمومی در مطبعه واقع شده تصحیح کرده شود

ردیف	موضوع	ردیف	موضوع	ردیف	موضوع	ردیف	موضوع
۲۱	مطوعه یا عد	۳	مطوعه یا غیر	۲۹	چنین طبع شده	۳	چنین خوانده شود
۲۲	مطوعه	۳	مطوعه	۳۰	شود	۳	شوند
۲۳	توزیع	۸	توزیع	۱۰	ندهد	۱۰	ندهند
۲۴	صرف نفوذ بنام	۱۰	صرف نفوذ بنام	۱۷	امرد نیز	۱۷	امرد
۲۵	سلاح و سائر	۲۰	سلاح و سائر	۳۱	شوهر زن	۵	شوهرش عسکری
۲۶	میشود	۲	میشوند	۶	زای	۶	زانی
۲۷	و الماس	۷	و الماس	۲۱	مزمان	۲۱	مردمان
۲۸	بآتش زدن	۳	بآتش زدن	۱۶	مستحق	۱۶	متحقق
۲۹	امر اجبار	۳	امر اجبار	۴	بوقع	۴	بوقوع
۳۰	میشود	۱۲	میشوند	۳	چیزهای	۳	چیزهای
۳۱	شراب او	۱۴	شراب آنها	۹	نشانه اد	۹	نشانداده
۳۲	شرابش	۱۵	»	۴	مهلك بنا بر	۴	مهلك که بنا بر
۳۳	همه قواعد	۱۷	همه این قواعد	۱۵	قتل که بعد العفو	۱۵	قتل که جزای آن
۳۴	این فصل	۱۷	»	۴۰	در نظامنامه	۴۰	بعد العفو قبلاً
۳۵	حادث شود	۹	حادث شود	۳۹	جزای عمومی	۳۹	مرفوم گردیده
۳۶	داشته باش	۳	داشته باشند	۳۸	حکم تغزیر	۳۸	مرتکب
۳۷	یکی را ضرب	۱	یکی را ضرب و	۴۴	اشیائی که	۲	اشیائی که
۳۸	وجرح نماید	۱	جرح نمایند	۹	تعمیم	۹	تعمیم
۳۹	فصاص	۱۵	فصاص	۱۱	مکم	۱۱	مکم

از روی این (غلامنامه) آن اغلاطیکه درین نظامنامه جزای عمومی در مطبعه
واقع شده تصحیح کرده شود

کتاب	صفحه	چنین طبع شده	چنین خوانده شود	کتاب	صفحه	چنین طبع شده	چنین خوانده شود
۴۴	۱۵	والا اگر	و اگر			ریختن	ریختن
۴۶	۲	ای اعتراف کنانیدن	برای اعتراف کنانیدن			مایملک آنها، باوشان	مایملک برو
»	۴	ونشان و آمزیر)	ونشان علاوه آمزیر)			وارد گردید که	وارد گردیده
۴۷	۳	ماموین	مامورین			حکم آن	که حکم آن
»	۴	بود	بودند			تا بعد از تصویب	که تا بعد از تصویب
۴۸	۱	میش	پیش			قانونی و منظوری	منظوری و
»	»	مرحفظه	بر محافظه				
»	۲	محبوس	محبوس			به جزای	بجزای
»	»	بی پروئی	بی پروائی			تبدیل ماده ۱۹۱	تبدیل ماده ۱۷۳
»	۱۱	نماید	نمایند				درست و
۵۰	۱۱	به مطابق	و مطابق			درست و روشناس	روشناس
»	۱۸	حل	حال				نمحریر
۵۱	۵	بکمال	به اکمال				نمحریر
۵۲	۶	درمین اهلی	درین اهالی			در آن منطقه رفته	در آن منطقه رفته
»	۷	عند ملزم	عند اللزوم			قاضی موقتی	قاضی موقتی
»	۱۶	و دیگر	و به دیگر			دزدی	دردی
»	۱۸	سرقت	سرقت اموالی که			داره بازی	داره مازی
»	»	اموالسکه				موجود بوده	موجود بوه

